

فصلنامه

حکمرانی



انديشگده نظام مسائل حکمرانی کشور

شماره ۲ پاییز ۱۴۰۲ - شاپا: ۱۱۱۲-۲۹۸۱



مسلسل ۱۴۰۲۱۱۷۶

- ❖ حکمرانی مردم پایه روستایی؛ پیاده سازی و کارکردها
- ❖ واکاوی حکمرانی؛ هوش مصنوعی و قانون بین المللی حقوق بشر
- ❖ عدالت ترمیمی؛ پیش بینی جایگاه پلیس اداری برای ناظران مردمی



فهرست مطالب

- سخن نخست رئیس اندیشکده ۱
- حکمرانی مردم‌پلیه روستایی؛ پیاده‌سازی و کارکردها ۲
- واکاوی حکمرانی؛ هوش مصنوعی و قانون بین المللی حقوق بشر ۲۲
- عدالت ترمیمی؛ پیش‌بینی جایگاه پلیس اداری برای ناظران مردمی ۴۴



فصلنامه حکمرانی

مدیرمسئول: محمود نظرنیا

سردبیر: شورای تحریریه

ناشر: اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور

شماره ۲ پاییز ۱۴۰۲ - شماره شاپا: ۱۱۱۲-۲۹۸۱

شماره مسلسل ۱۴۰۲۱۱۷۶

روابط عمومی: ۰۹۹۰۰۲۵۷۹۲۴

سایت: www.andishkademasael.ir

ایمیل: info@andishkademasael.ir

ایتا و اینستاگرام: andishkademasael

مسئولیت صحت مطالب برعهده نویسندگان است.

شرط رسیدن به قله اصلاح نظام مند قواعد حکمرانی در کشور است



محمود نظرنیا

رئیس اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور

زمانی که صحبت از حکمرانی به میان می آید این تصور در ذهن مخاطب ایجاد می شود که منظور از حکمرانی یعنی ایجاد یک چهارچوب ساختارمند برای روابط اداری و سیاسی بین حاکمیت و مردم که لزوماً از آن به عنوان نظام حکمرانی یاد می شود، اگرچه لازم به ذکر است، بررسی ابعاد یک نظام حکمرانی و همچنین سنجش میزان مطلوبیت آن، موضوعی بسیار گسترده با زوایای پنهان و آشکار می باشد، اما به طور کلی، تعریف عموم مردم در یک جامعه از حکومت و حکمرانی را می توان در مجموعه ای از مناسبات که در نهایت منجر به اداره ای امور جاری و روزمره زندگی می شود خلاصه نمود و در جوامع روز آمدتر، برنامه ریزی و فراهم نمودن زیر ساخت های لازم جهت اداره ای جامعه در آینده را نیز می توان در ذیل این تعریف قرار داد. اما این تعریف، بیانگر این است که چهارچوب اداره یک کشور باید بر اساس خواست شهروندان و در راستای پاسخگویی به نیازها و مطالبات آنان باشد چرا که یکی از الزامات حکمرانی خوب، توجه به خواسته های شهروندان به معنای عام آن است و پاسخگویی به این خواسته ها از وظایف ذاتی حکومت است، دولت موظف است در راستای کیفیت زندگی بهتر و ایجاد شرایط مناسب برای زیست شهروندان و پیشرفت همه جانبه کشور، ساختارهای اداری، سیاسی و مهم تر از همه نظام تصمیم گیری و سیاستگذاری را به شکلی سازماندهی نماید تا کیفیت حکمرانی فدای کمیت آن نشود، آینده نگری در برنامه های توسعه و همسان سازی آن با ساختارهای اجرایی و نهادی می تواند کشور را در رسیدن به قله یاری نماید، اما باید این مهم را در نظر داشت که پایش و ارزیابی اجرای صحیح حکمرانی امری منطقی، لازم و ضروری است که شایسته است به آن توجه ویژه شود و چنانچه در بررسی ها به این نتیجه دست یافتیم که ساختارها مانع جدی در اجرای حکمرانی اند شجاعت اصلاح آن را داشته باشیم و با قدرت برای اصلاح آن تا تحقق حکمرانی خوب پیش رویم، فصلنامه ای که پیش روی شماست به عنوان شماره دوم فصلنامه حکمرانی تلاش خواهد کرد تا موضوعات جاری و اساسی کشور را از نگاه حکمرانی مورد بحث و بررسی قرار داده و با نگاه کاملاً علمی و تخصصی، ضمن نقد و بررسی امور جاری، گره گشایی برای حل مسائل حکمرانی در آینده ایران اسلامی باشد، بدین منظور از نخبگان و پژوهشگران برای این مهم دعوت به همکاری می نمائیم.

مقالات



مهدی شجاع

پژوهشگر اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور
کارشناس سیاسی و اجتماعی استانداری یزد

حکمرانی محلی مردم پایه روستایی؛

پیاده‌سازی و کارکردها

چکیده:

روستاها از بنیادی‌ترین اجزا جهت بقای تمدن بشری است. با توجه به این موضوع، در طول دهه‌های گذشته، برنامه‌ها و اقدامات زیادی جهت توسعه روستایی در نقاط مختلف دنیا و بویژه ایران، به اجرا درآمده است. از آنجا که برنامه‌های مذکور به میزان بسیار زیادی تحت رویکرد از بالا به پایین، برنامه‌ریزی، سازماندهی و اجرا شده‌اند، میزان رضایت عمومی مورد انتظار را به همراه نداشته است. با وفور شناخت نسبت به عدم کارآیی رویکرد مذکور و نیز با توجه به نارسایی‌های رویکرد پایین به بالا، الگوی حکمرانی مردم‌پایه جهت حرکت در مسیر توسعه پایدار روستایی مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، الزامات پیاده‌سازی و کارکردهای الگوی مورد اشاره را بررسی می‌کند. در پایان، نتایج مطالعه، پیش‌هایی نو را برای سیاست‌گذاران، جوامع محلی و سایر ذینفعان جهت پیاده‌سازی یک نظام مدیریت توسعه روستایی کارآمد را فراهم می‌آورد.

کلید واژگان: حکمرانی مردمی، توسعه پایدار روستایی، مدیریت توسعه

مقدمه:

محوری‌بودن مناطق روستایی از نظر تولید غذا و نقش موثر آنها در حفظ و بقا تمدن بشری، ضرورت توجه به توسعه روستایی و تقدم آن بر توسعه مناطق شهری را بیش از پیش نمایان می‌سازد. نظر به پیوستگی توسعه مناطق روستایی به توسعه مناطق شهری از جهات زیاد بخصوص مسائل بیکاری و تراکم جمعیت شهری، تسهیل جریان ورود امکانات اقتصادی و زیرساختی به روستا، متمتع شدن آنها و توسعه سرمایه‌ی انسانی در مناطق روستایی را موجه، مقرون به صرفه و عقلانی می‌سازد.

در این رابطه، اعتقاد بر این است که با توجه به جمعیت زیاد مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای نه‌چندان ثروتمند و نرخ زیاد رشد آن، محرومیت و برخورداری کمتر آنها، اقدام در راستای توسعه‌ی روستایی، الزامی بدون قید و شرط است (ملکیان ۱۳۹۳). آنها، بیان می‌کنند که تشدید نابرابری‌ها و میزان بیکاری و مهاجرت روستاییان به شهرها و مشکلات ایجاد شده ناشی از افزایش جمعیت شهرها، چون رشد حاشیه نشینی و ناموزون به عنوان عواقب توسعه‌نیافتگی روستاها، دلایلی استوار برای توسعه‌ی روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه‌ی شهری است. به طور کلی، مفهوم توسعه روستایی تبیین‌کننده‌ی فرآیندی است جهت بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه‌های روستایی، بسط منافع توسعه در میان آنها (ملکیان ۱۳۹۳)، افزایش فرصتهای قابل دسترسی برای افراد، افزایش امکانات بهره‌وری از آنها، و بطور کلی، تغییرات مطلوب در جهت افزایش تاب‌آوری جوامع روستایی. بنابراین، فرآیند مورد اشاره، جامعه‌ی هدف خود را از یک انزوای سنتی به سمتی هدایت خواهد داد که با اقتصاد ملی عجین شده باشد.

فرآیند تغییر در محیط‌های روستایی، چند بعدی بوده و موضوع آن بهبود و ارتقای کلی کیفیت زندگی اقشار روستایی و آسیب‌پذیر اجتماع است. مکانیسم عمل فرآیند مذکور، استفاده از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی جوامع روستایی است. با استفاده از سازوکارهای یادشده، تلاش حداکثری اقدامات توسعه روستایی در راستای تقویت قدرت، توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیار جامعه هدف است تا به واسطه‌ی آن بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب‌تر تغییر دهند.

اگر چه حرکت در مسیر توسعه‌ی روستایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است ولی تحقق آن نیازمند دگرگونی‌های دیگری در ساختارهای نهادی، فنی و مدیریتی است که بتواند منجر به تغییرات مطلوب شود تا توانایی پاسخگویی به نیازهای اساسی روستاییان و ارتقای کیفیت زندگی، تقویت اتکا به نفس، آزادی انتخاب و عاملیت روستاییان در فرآیند توسعه را داشته باشد.

در ایران و در طول دهه‌های گذشته، برنامه‌های زیادی در قالب توسعه‌ی روستایی با هدف افزایش تولیدات کشاورزی و توسعه‌ی زیرساخت‌ها و خدمات عمومی به اجرا درآمده‌اند. سیل ورود نوآوری‌ها، امکانات و توسعه‌ی زیرساخت‌ها و بهبود فضاهای روستایی به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی از مهمترین این موارد بوده‌اند. گرچه آثار مثبت زیادی از آن حرکات جهادی بر جای مانده اما عطش توسعه‌ی سریع و حرکت در مسیر توسعه‌ی اقتصادی صرف که گاهی با اتخاذ برخی سیاست‌های هر چند محدود ولی نامناسب در بخش کشاورزی

و محیط‌های روستایی همراه بود، باعث شد هزینه‌های جبران ناپذیری بر اکوسیستم و منابع نهاده‌ای تولید در جوامع روستایی وارد گردد، گرچه منافع کوتاه مدت آن بسیار خوشایند بود. سیاست خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک مثل گندم، سیاست توسعه و گسترش سدها و بسیاری از موارد دیگر که منجر به خشک شدن آبخوان‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌هایی مثل دریاچه ارومیه گشت، چالش‌هایی شگرف و بدیعی را متوجه جوامع روستایی کشور ساخت. غلبه رویکرد از بالا به پایین در طراحی و تصمیم‌گیری برای توسعه‌ی روستایی، دخالت محدود اقشار روستایی و شدت یافتن گذار تغییر اقلیم در کشور با فور نوسانات اقلیمی مانند خشکسالی بویژه از ابتدای دهه‌ی ۸۰ شمسی، باعث شد وخامت اوضاع نابسامان روستاها رو به فزونی رود و معضلات جدیدی متأثر از سیاست‌های فوق‌الذکر و عوامل طبیعی ایجاد شود.

ادامه روند مذکور، کاهش تولیدات در مناطق روستایی، کاهش درآمدها و عایدات منجر به مسائل اجتماعی گسترده‌ای مانند نزاع‌های اجتماعی در سطح روستاها شده و در بسیاری موارد، باعث مهاجرت و افزایش پدیده‌هایی مثل زاغه‌نشینی، گسترش شغل‌های کاذب و ناهنجاری‌های اجتماعی دیگری در حاشیه‌ی شهرها شده است. بنابراین، برنامه‌های توسعه‌ی روستایی ایران به دلیل فقدان برنامه‌ریزی و ساختاردهی مناسب و همچنین عدم وجود مدیریت جامع و کارآمد با چالش‌ها و نارسایی‌هایی اساسی روبرو بوده و در صورت تدام روند فعلی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، آن معضلات، ادامه خواهند یافت.

الگوی مدیریتی غالب برنامه‌های توسعه در کشور با رویکرد بالا به پایین و نقصان در جلب مشارکت آحاد مردم در برنامه‌ریزی، پایش و ارزیابی توسعه، موجب جدایی مردم از برنامه‌ها و دورنگهداشتن آنها از متن توسعه شده است؛ در حالی که نقش و جایگاه اجتماعات روستایی در توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، ضرورت توجه به آنها را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. از طرف دیگر پیامدهای عقب‌ماندگی مناطق روستایی چون فقر، نابرابری، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و غیره که عموماً به دلیل فقدان سازوکار مدیریتی مطلوب ایجاد می‌شوند، لزوم توجه به تغییر پارادایم مدیریت توسعه‌ی روستایی و قرار گرفتن در مسیری تحت عنوان "توسعه با مردم روستایی، به وسیله‌ی مردم و برای آنها" را دوچندان می‌کند. با توجه به شناخت رو به افزایش از عدم کارایی مسیر فعلی توسعه‌ی روستایی و الگوی مدیریت آن در کشور، نیازی مبرم جهت حرکت به سمت توسعه‌ی پایدار با استفاده از تمام ظرفیت‌های الگوی حکمرانی مردم‌پایه وجود دارد تا مانایی و پایداری محیط‌های روستایی تضمین شود. با توجه به موارد فوق، در این مطالعه تلاش می‌شود تا ارتباط مفاهیم پایداری، توسعه‌ی پایدار و الگوی نو و جهان‌شمول "حکمرانی مردم‌پایه" به عنوان مطلوبیت در مناطق روستایی مورد واکاوی قرار گیرد. تمرکز این مقاله به طور اختصاصی بر تشریح مفاهیم

فوق الذکر، چگونگی حرکت در مسیر توسعه پایدار با استفاده از الگوی حکمرانی مردم پایه، چگونگی پایه ریزی آن و کانال‌های تاثیر گذاری آن بر توسعه پایدار مناطق روستایی است.

مبانی نظری:

پایداری و توسعه پایدار مناطق روستایی:

پایداری، مفهومی رشد یافته در اواخر دهه ۱۹۸۰، قابل تفسیر به صورت چندبعدی و به استفاده از منابع اقتصادی، اجتماعی طبیعی و زیست محیطی در یک موضع با ارتباط بین نسلی اشاره دارد. توسعه پایدار خواهد بود که بتواند نیازهای کنونی بشر را تامین کند بدون آنکه تهدیدی برای نسل‌های آینده در تامین نیازهایشان باشد. با توجه با این تعریف می‌توان گفت هدف توسعه پایدار، تامین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقاء سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم‌ها و آینده‌ای امن تر و سعادت‌مندانه تر است. بنابراین، استفاده از منابع کنونی در دسترس بشر برای تعالی رشد محدودیت‌هایی خواهد داشت. توسعه پایدار روستایی به عنوان یکی از الزامات اصلی در ادبیات پایداری مطرح بوده و به عنوان وسیله‌ای جهت نیل به اهداف پایداری به کار گرفته می‌شود. به کارگیری این پارادایم در مناطق روستایی و نیل به اهداف آن، بیش از هر چیز دیگری نیاز به تغییر در رویکرد تصمیم‌گیری، طراحی، پایش و ارزیابی برنامه‌های توسعه را نمایان می‌سازد.

امروزه با وفور شناخت مطلوب از اثرات نه‌چندان مطلوب برنامه‌ریزی متمرکز، دیدگاه‌های مناسبی در میان سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و نهادهای مدنی نسبت به لزوم تحول بنیادین در روند مدیریت توسعه روستایی و انتقال از حاکمیت دولت به حکمرانی و توزیع قدرت ایجاد شده است. به عنوان مثال، توسعه اجتماعی و توسعه قدرت حکمرانی مردم نواحی روستایی به شکلی جدی تر از گذشته، مورد توجه برخی نهادهای بین‌المللی و بین‌الدولی مانند اتحادیه اروپا به عنوان یک نهاد پیشرو در مسیر مذکور، قرار گرفته است. در این راستا، سیاست‌های توسعه روستایی اتحادیه اروپا در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ شامل موارد زیر بوده است (Becerra ۲۰۰۹).

- ✓ توسعه محلی
- ✓ کیفیت تغذیه و سلامت
- ✓ حفاظت زیست محیطی از مناطق روستایی
- ✓ کشاورزی اکولوژیکی
- ✓ ایجاد و تنوع بخشی در اشتغال
- ✓ گسترش برابری

✓ بهبود حکمرانی محلی و توسعه‌ی سرمایه اجتماعی درونزا

مفهوم حکمرانی مردم پایه:

مفهوم حکمرانی به عنوان الگوی جدید توسعه‌ی پایدار، از اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد متون جامعه‌شناسی سیاسی و اداره امور محلی شد و دلالت بر موضوع یا محتوایی قدیمی درباره رابطه با قدرت و جامعه داشت [۳]. حکمرانی مردم پایه، الگویی است که در پی ناکارآمدی ساز و کارهای پیشین توسعه، توسط کشورهای توسعه یافته و مجامع بین‌المللی ارائه شده و در حال تلاش برای بکارگیری سیاست‌هایی است که تعداد قابل توجهی از کنشگران نهادی و اجتماعی را درگیر می‌کند. این پارادایم، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به منظور استقرار و نهادینه‌سازی جامعه‌ی مدنی در سیاست‌های مربوط به اعطای کمک‌های بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است (Mantino ۲۰۰۹)

حکمرانی مردم پایه، هم‌آیند واژه‌هایی چون مردم‌سالاری، جامعه مدنی، مشارکت مردمی، اعتماد، حقوق بشر، حقوق اجتماعی و توسعه‌ی پایدار است (مقیمی ۱۳۹۰) این مفهوم دلالت بر نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادهای مختلف داشته [۴]، و فرآیند ترسیم‌کننده‌ی نوع کنش و واکنش متقابل مسئولان، برنامه‌ریزان و آحاد مردم در سطوح کلان تا خرد (رکن آبادی ۱۳۹۰)، به صورت تغییر پارادایم رهبری است که مشارکت یکسان و برابر تمام ذینفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری به عنوان نقطه کانونی آن مطرح است (مقیمی ۱۳۹۰). تضاد با حکومتی بودن برای برقراری همکاری و تعاون با هدف نظم بخشیدن به امور اجتماعی و اتخاذ رویه‌ای متفاوت با رویکردهای بالا به پایین دولتی، عناصر اصلی حکمرانی مردم پایه به شمار می‌روند. به بیان دیگر، در این الگو بر همکاری مبتنی بر شراکت و تعامل بخش دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی تاکید شده تا به موجب آن کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه‌جانبه استفاده کنند و فرصت‌های مناسب توسعه را با درگیر کردن کنشگران مختلف ایجاد کنند (Mantino ۲۰۰۹)

با توجه به موارد فوق‌الذکر، سازه‌ی حکمرانی مردم پایه می‌تواند منعکس‌کننده‌ی موارد زیر باشد (۱۹۹۸ Goodwin)

- ✓ دایره‌ای از موسسات و نهادهای حاکم بر سیاست
- ✓ مشارکت بخش خصوصی و نهادهای مدنی به صورت کنشگرانه و فعال
- ✓ روابط درونی و همکاری‌ها (عمودی و افقی) بین و در میان نهادهای درگیر در سیاست‌گذاری

✓ همکاری‌های محلی بین بخش خصوصی، نهادها و بخش عمومی (دولتی)، مسئولان و عموم مردم و شبکه‌های کنشگران که می‌توانند پایه‌گذار حکمرانی مردم‌پایه باشند.

✓ برنامه‌ریزی و هدایت فراتر از دولت و توانمندسازی دیگر کنشگران برای وضع سیاست‌ها

به بیان واضح‌تر و مطابق با مقیمی و اعلائی اردکانی (مقیمی ۱۳۹۰)، حکمرانی مردم‌پایه از سه منظر قابل مشاهده است: الف) حکمرانی مردم‌پایه شامل ارتباطات دو جانبه، حمایتی و تشریک مساعی بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. ب) حکمرانی مردم‌پایه بر طبق اصول مشارکت، شفاف‌سازی تصمیمات، پاسخگویی، تساوی در برابر قانون، پیش‌بینی‌پذیری، فعالیت‌های مردم‌سالارانه، آزادی‌های مدنی و دسترسی به اطلاعات است و ج) حکمرانی مردم‌پایه در مفهوم مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی تلقی می‌شود که غایت آرزوی نهادها، سازمان‌های دولتی و سازمان‌های بین‌المللی است.

حکمرانی مردم‌پایه‌ی روستایی و مدیریت توسعه

همزمان با طرح و استفاده از مبنای فکری حکمرانی مردم‌پایه در ادبیات توسعه، نگاه‌ها به سمت بحث و نقد سیاست‌های توسعه‌ی مدرن مناطق روستایی معطوف شد [۳]، به این دلیل که این مفهوم بیش از هر چیز دیگری، نشان‌دهنده‌ی الزام برای تغییر رویه‌ها و سازوکارهای خطی برنامه‌ریزی و طراحی توسعه و قرار دادن آنها در یک فضای تعاملی بود. مطابق با افتخاری و همکاران (رکن آبادی ۱۳۹۰)، حکمرانی مردم‌پایه‌ی روستایی به عنوان فرآیندی انگاشته می‌شود که در آن تأثیرگذاری همه‌ی ارکان دخیل در محیط روستا بر مدیریت روستایی دیده شده و تمام سازوکارهای لازم جهت تعالی و پیشرفت محیط‌های روستایی و توسعه‌ی سرمایه انسانی در آنها پیش‌بینی شده است. به عبارت دیگر کارکرد حکمرانی مردم‌پایه روستایی همانا به اجرا درآوردن تصمیمات و سیاست‌های مردم روستایی، همسو با منافع خودشان است که در عین حال با منافع ملی، منطقه‌ای و محلی نیز سازگار است (رکن آبادی ۱۳۹۰)

به‌طور کلی، مقبولیت عمومی اندیشه‌ی "توسعه با مردم، به‌وسیله‌ی مردم و برای مردم" که بارزترین ابزار تحقق آن، تغییر رویه‌های حاکمیتی به شمار می‌رفت، سبب ورود مفهوم حکمرانی مردم‌پایه به ادبیات توسعه‌ی روستایی به عنوان یک تضاد مثبت و سازنده بود و با نقد سیاست‌هایی در نواحی روستایی رشد یافت که تا آن مقطع، مطلوب ارزیابی می‌شدند، بواسطه‌ی آنکه آثار مثبت محسوسی را در جوامع روستایی برجای گذاشته بودند. در حقیقت، آنچه که با ورود مفهوم حکمرانی مردم‌پایه به شکل ویژه‌ای مورد توجه صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفت، پاره‌ای از نقدها، آرا و عقایدی بود که بیشتر در حمایت از توده‌های روستایی و نهادهای

محلی عمومیت پیدا کرد. میزان سازگاری برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه‌ی روستایی با خواسته‌ها و نیازهای واقعی مردم روستایی و میزان تعدیل و تطبیق آن سیاست‌ها؛ شکل مداخله و مشارکت جوامع مذکور در فرآیند توسعه، طراحی، پایش و ارزیابی آن؛ میزان ظرفیت برنامه‌های مذکور برای پذیرش ایفای نقش فعال جوامع روستایی؛ مسئله اجماع نظر در طراحی توسعه؛ نقش فعال گروه‌های روستایی در انتقال نوآوری به مناطق روستایی یا صرف دیده شدن آنها به عنوان کاربر نهایی؛ حق تعیین سرنوشت؛ سهم معیشت و تولیدات معیشتی در الگوی مدیریت توسعه در آن مقطع؛ نقش دانش بومی و محلی روستاییان در شکل‌گیری راهبردها و رهیافت توسعه؛ میزان تسهیم دانش نوین و بومی و تولید مشارکتی دانش در نظام مدیریتی مذکور؛ حدود توجه به مدیریت مشارکتی و مردم‌پایه‌ی منابع و استفاده پایدار از آنها، از مهمترین مسائل مورد بحث در حوزه‌ی مذکور بود؛ گرچه هنوز هم مبنای نقد سیاست‌های مشابه در بسیاری از کشورها از جمله ایران است.

امروزه، گذار رو به رشدی از حکمرانی مردم‌پایه روستایی در بسیاری از کشورهای دنیا مثل کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی مثل چین و ... مشاهده می‌شود. حرکت رو به جلو آن کشورها در مسیر پایداری و توسعه‌ی پایدار، نوعی از هنجارهای پیشران جهت تقویت فرآیندهای طراحی و پیاده‌سازی فرآیندی مطلوب جهت مدیریت توسعه‌ی روستایی را در برابر دیدگان مدیران سطوح کلان، میانی و خرد کشور قرار داده است. تجربه‌های موجود در زمینه‌ی حکمرانی مردم‌پایه‌ی روستایی نمایشگر رهیافت‌های مشارکتی و دوسویه با کارکردهای مهم در زمینه‌ی افزایش توان جوامع محلی و پاسخگویی به نیازهای واقعی مردم روستایی است. بر خلاف الگوی مدیریتی دولتی غالب بر توسعه‌ی روستایی کشور، جلب مشارکت فردی و گروهی بهره‌برداران و سازمان‌های فعال در عرصه فعالیت‌های تولیدی روستایی و مدیریت مشارکتی در مرکز توجه الگوی یادشده قرار دارد. با در نظر گرفتن تنگناهای مدیریتی الگوی فعلی حاکم بر توسعه‌ی روستایی کشور و با توجه به الزام حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار با توجه به منابع محدود، نیازی محسوس جهت درگیری فعالانه آحاد مردم روستایی وجود دارد که با وجود شاخص‌های الگوی حکمرانی مردم‌پایه و در صورت بهره‌گیری از آنها، مشارکت خودجوش و گسترده نیز دور از انتظار نیست. شاخص‌های مذکور، از طریق کانال‌هایی در محیط روستایی تاثیرات مثبت خود را بر جای خواهند گذاشت که در ادامه مورد تشریح قرار می‌گیرند.

پیامدها و کارکردهای پایه‌ریزی حکمرانی مردم‌پایه روستایی :

(۱) حق اظهارنظر و پاسخگویی :

وجود حق اظهار نظر و پاسخگویی سبب بهبود عملکرد دولت خواهد شد. وجود آزادی‌های سیاسی اعم از آزادی بیان، قلم و اندیشه و وجود رسانه‌های متعدد، مستقل و آزاد، اعم از روزنامه، مجله، کتاب، رادیو و تلویزیون در هموارسازی مسیر توسعه، نقش عمده ای دارند. در چنین شرایطی آگاهی مردم بالا می‌رود و عملکرد حاکمان مورد نقد واقع می‌شود و دولت ناچار به عملکرد کاراتر می‌شوند. در غیر این صورت از چرخه‌ی قدرت توسط آرای مردم حذف می‌شوند (کوهستانی ۱۳۹۰) در راستای این شاخص، مردم روستایی باید به صورت کنشگرانه در مطالبه‌گری، نقد و هدایت برنامه‌های توسعه‌محور به سمت هدف غایی و مطلوب و هموارسازی مسیر یادشده فعال باشند. ظرفیت‌های فضای مجازی و دسترسی گسترده به رسانه‌های تصویری، شنیداری، دیداری و نوشتاری تا حدود زیادی این امکان را فراهم می‌کند

۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت :

ثبات سیاسی منجر به ایجاد محیط امن و آرام برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، گسترش تولید و اشتغال و در نهایت منجر به رشد و توسعه‌ی اقتصادی می‌شود. علاوه بر این، ثبات سیاسی منجر به جذب سرمایه‌ی خارجی در بخش‌هایی از ظرفیت‌های اقتصادی روستایی که صنایع داخلی، توانمندی اجرای آن را ندارند نظیر صنایع پیشرفته معدنی و فرآوری مواد معدنی در مناطق مستعد روستایی خواهد شد که تبعات مثبت آن افزایش اشتغال، نگهداشت جمعیت روستایی و رونق کسب و کارها خواهد بود (کوهستانی ۱۳۹۰)

۳) کارایی و اثر بخشی دولت :

توانمند بودن دولت، اجرای بدون تاخیر پروژه‌ها و ایجاد زیرساخت‌های روستایی، حمایت از صنایع روستایی، فراهم آوردن تسهیلات و مشوق‌ها برای سرمایه‌گذاری نوین در بخش کشاورزی و دامپروری در راستای ایجاد اشتغال و خروج جمعیت از روستا، تاثیر بسزایی در توسعه‌ی روستایی خواهد داشت (کوهستانی ۱۳۹۰)

۴) کیفیت قوانین و مقررات :

تنظیم قوانین اختلال‌زا در بازار مانند کنترل قیمت‌ها، حذف موانع غیراصولی و دست و پاگیر در صادرات و واردات (خصوصاً در مورد نهاده‌ها و ستاده‌های کشاورزی)، رفع محدودیت‌های زاید در بازار سهام، رفع محدودیت‌های تاسیس یک بنگاه اقتصادی جدید، حذف مقررات دست و پاگیر برای تبدیل ارز و موارد مشابه، در این گروه قرار می‌گیرند. قانون یکی از ابزارهای اصلی مداخله‌ی دولت در اقتصاد است. از دید نهادگرایان، دولت و بازار مکمل یکدیگر بوده و دولت به عنوان نهاد فراگیر و با ابزار حقوق و از طریق وضع قوانین می‌تواند

نهادهای جدیدی تعریف، تاسیس و مستقر کند. همچنین دولت با تصویب قوانین مناسب می تواند نقش قابل توجهی در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب سایر نهادها و نیز کارکرد بازار در اقتصاد داشته باشد. جامعه‌ی توسعه‌یافته، جامعه‌ای است که قانون در آن در حد بهینه، وضع شده باشد، نه چندان کم که رفتارهای بی قاعده و پرهزینه امور جامعه را مختل کند و نه چندان فراوان که راه را بر انتخاب بهینه افراد ببندد. اگر قانون‌گذار، قانون را در جهت بهبود حق مالکیت، ساختار نظام حقوقی و آموزشی تدوین و تصویب نماید، منجر به بهبود و ارتقای سرمایه انسانی و حقوق مالکیت شده و در نهایت منجر به توسعه‌ی روستایی می گردد (کوهستانی ۱۳۹۰)

۵) حاکمیت قانون :

بانک جهانی، حاکمیت قانون را محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش تعریف می کند. حاکمیت قانون از طرق مختلف بر جذب موثر است. حاکمیت قانون از طریق توسعه‌ی کسب و کار و ایجاد بستر و فضای مناسب برای کارآفرینی می تواند باعث جلب نظر سرمایه‌گذاران شود. وقتی این امکان وجود دارد که شریک تجاری افراد از قراردادهای پیروی نکند، میزان ریسک افزایش می یابد و گسترش تولید کمتر خواهد بود. بنابراین حاکمیت قانون سبب ایجاد فضای امن اقتصادی شده و بسترهای لازم برای گسترش تولید و کارآفرینی در بخشهای مختلف و مستعد از جمله اقتصاد روستایی، کشاورزی صنعتی و پیشرفته، دامداری مکانیزه و ... را فراهم می آورد (کوهستانی ۱۳۹۰)

۶) کنترل فساد :

فساد فراگیر باعث می شود مشروعیت حکومت از بین برود و تضعیف حکومت و دولت سبب ناکارآمدی شدن آن در جهت ایجاد نهادهای حمایت کننده از بازار محصولات کشاورزی و دامی می شود. در این شرایط، اگر بنگاه‌ها قادر باشند (از طریق رشوه و ...) در تصمیم‌گیری‌های دولت دخالت کرده و اصلاحات را به نفع خودشان تغییر دهند، مانع اجرای شفاف قوانین و مقررات و رقابتی شدن بازار می گردند که این در نهایت تاثیر منفی بر توسعه‌ی روستایی خواهد گذاشت (کوهستانی ۱۳۹۰)

بطور کلی، هدف فرآیندهای توسعه‌ی روستایی، بهبود معیشت، آبادانی و عمران روستاها، حفظ محیط زیست، بهبود وضعیت اقتصادی، بهزیستی مردم روستایی، حل معضلات اجتماعی و مواردی از این قبیل است؛ با این حال، پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی این جوامع و مکانهای جمعیتی، باید به عنوان نقطه‌ی ثقل برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گیرد. شاخص‌های حکمرانی مردم‌پایه در مناطق روستایی با مهیا کردن زمینه‌ی امکان انتقال صدای مردم محروم، قوانین مشخص، فراهم کردن حمایت‌های دولتی و بین‌المللی، جلوگیری از

آسیب‌پذیری بیشتر قشر محروم بر فرآیندهای عمران و توسعه‌ی روستایی اثرگذاری بسیار مثبتی خواهد داشت. مسلماً، در چنین شرایطی و از طریق کانال‌های مذکور، مردم روستایی و کشاورزان خیلی بیشتر از قبل در برنامه‌ها شرکت داده خواهند شد و با تفویض اختیاری که به آنها داده خواهد شد توانایی بهتری در ردیابی مشکلات عمرانی و توسعه‌ای و حل و فصل آنها خواهند داشت. آنها قادر خواهند بود نیازهای خود را به بهترین نحو مورد واکاوی قرار داده و در جهت رفع آنها بکوشند.

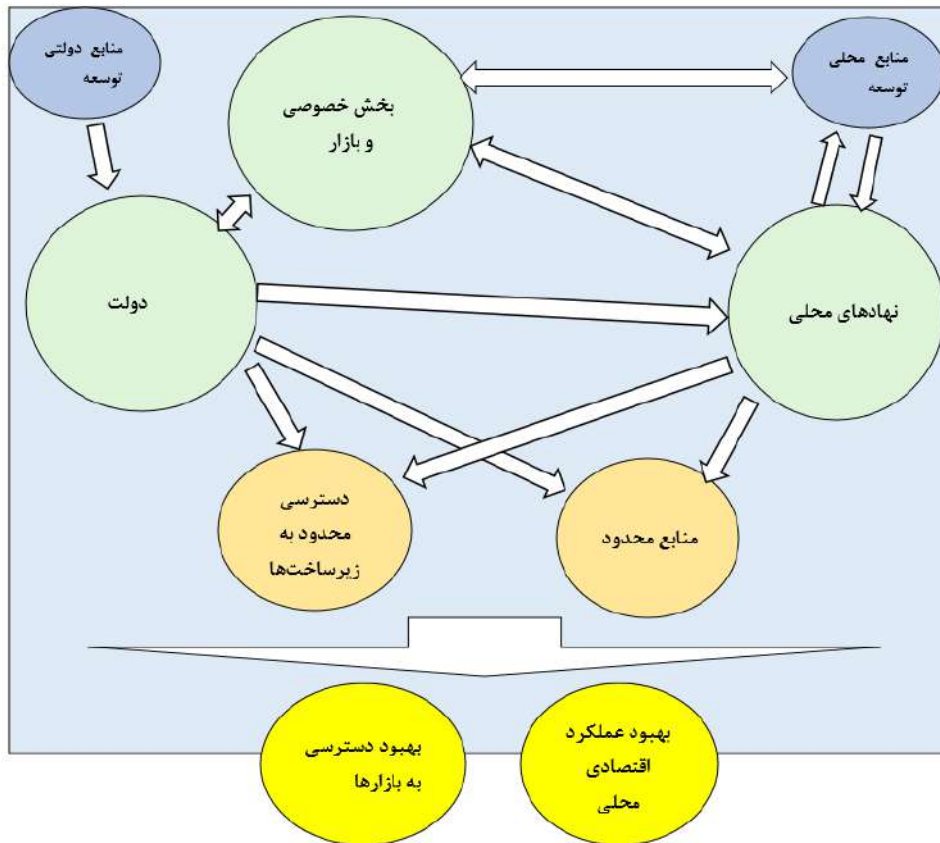
چگونگی پیاده‌سازی الگوی حکمرانی مردم‌پایه در مناطق روستایی جهت نیل به توسعه‌ی پایدار:

تجربه چندین دهه تلاش‌های توسعه‌ای با رویکرد بالا به پایین و نتایج بدست آمده در کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران نشان می‌دهد که رهیافت مذکور در یافتن راه‌حل مشکلات روستایی از قبیل فقر، بیکاری، نابرابری، مهاجرت، فرسایش منابع طبیعی و نابودی منابع تولید، موفقیت مطلوبی نداشته است. از طرفی دیگر، رویکرد از پایین به بالا نیز که بر استفاده و توانمندی ذینفعان محلی در برنامه‌ها تاکید می‌کند، ممکن است فرآیندهای حاکم بر اقتصاد بین‌الملل را نادیده گرفته و تلاش‌های افراد ذینفع را صرفاً معطوف به حل مسائل محلی کند. استفاده صرف از این رویکرد نیز اثر تخریبی بر توسعه و فرآیندهای مربوط به آن داشته و در مقابل توسعه قرار می‌گیرد. لذا امروزه ترکیبی از رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا مدنظر قرار گرفته است تا امکان بهره‌گیری از مزایای هر دو رویکرد و به حداقل رساندن معایب آنها را فراهم آورد (ملکیان ۱۳۹۳)،

عینیت‌بخشی به الگوی ترکیبی یادشده و اجرای آن جهت نیل به توسعه‌ی پایدار، سازوکارهایی را می‌طلبد که حامی نهادهای مدنی، شبکه‌ها و گروه‌ها بوده تا عناصر مذکور بتوانند حقوق قانونی خود را مطالبه، تعهداتشان را برآورده و تضادهایشان با سیستم‌های بورکراسی را تعدیل کنند. با توجه به این موضوعات و همان‌طور که قبلاً نیز بدان اشاره شد، حکمرانی مردم‌پایه روستایی گزینشی مطلوب در این راستا خواهد بود. طبق گفته‌ی افتخاری و همکاران (رکن آبادی ۱۳۹۰) در حکمرانی مردم‌پایه روستایی، نقش دولت‌ها بیشتر به عاملیت فراهم‌کننده‌ی بسترهای سخت افزاری و نرم‌افزاری، از جمله هماهنگ‌سازی و پاسداری از قوانین ملی محدود شده و از دخالت مستقیم و گاه غیر ضروری آنها در تصمیم‌گیری‌ها و همچنین اداره و اجرای امور مربوط به زندگی مردم کاسته می‌شود. به بیان دیگر، تأکید عمده بر این است که مسیر عمومی اندیشه و مدیریت توسعه تقویت گردد و مردم روستایی خود برای سرنوشت‌شان تصمیم‌گیری کنند. هم‌چنین این فرآیند تضمین می‌کند که اولویت‌های توسعه‌ی پایدار سرزمین مبتنی بر اجماع و اتفاق‌نظر جامعه محلی باشد و صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین اقشار نیز در فرآیند تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع توسعه شنیده شود (رکن آبادی ۱۳۹۰). به بیان دیگر، در الگوی حکمرانی مردم‌پایه، موقعیت بالا و یا پایین بین سطوح کنشگران وجود ندارد و

بین رهیافت‌های بالا به پایین سلسله مراتبی (تامین کننده‌ی مشوق‌ها و انگیزه‌ها) و رویکردهای پایین به بالا (منعکس کننده‌ی خواست مردم روستایی) تقابلی وجود ندارد.

آنچه که در این سیستم نمایه می‌شود همانا مشارکت، تعامل، همکاری و هماهنگی است. در قالب رویکرد حکمرانی مردم‌پایه، جوامع محلی بدون وجود موانع دست و پاگیر سیستم‌های بورکراسی دولتی در جهت رفع نیازهای خود خواهند کوشید. آنها با مسائل مرتبط با ناهماهنگی‌های سازمانی و بین سازمانی درون سیستم‌های دولتی و مشکلات جزیره‌ای بودن سازمانها که گاه‌ا اجرا برنامه‌ها را با مشکلات جدی مواجه کرده است، مواجه نخواهند شد. تصمیمات محلی خواهند بود و آنها قادر خواهند بود که بهترین نحو مسائل مرتبط با عمران و توسعه‌ی روستاهای خود را مورد واکاوی، مدیریت و پایش قرار دهند. با توجه به موارد فوق، الگوی حکمرانی مردم‌پایه جهت مدیریت توسعه‌ی پایدار روستایی، به صورت زیر است (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی مدیریت توسعه‌ی پایدار روستایی با رویکرد حکمرانی مردم‌پایه مطرح شده توسط ملکیان و حیاتی (ملکیان ۱۳۹۳)، بر پایه مدل توسعه روستایی یکپارچه

منابع توسعه‌ای دولتی

منبع توسعه‌ای دولتی اشاره به آن منابع مالی و بودجه‌های توسعه‌ای دارد که از طریق سیستم دولتی توزیع می‌گردد (۲۰۰۶: Integrated)

منابع توسعه‌ای محلی:

این مفهوم، اشاره به منابع ارزشمند روستایی دارد که در سه دسته اجتماعی، فرهنگی و طبیعی (زیست محیطی) تقسیم‌بندی می‌گردد و شامل الف) ارزش‌های زیست محیطی شامل مواردی چون محیط‌زیست پاک، تنوع زیستی، تولیدات سالم، شرایط تولید خوب و با کیفیت بالا، محصولات کشاورزی خاص و مناظر فرهنگی و طبیعی است. ب) ارزش‌های فرهنگی مانند فرهنگ روستایی، (فرهنگ عامه)، هنر، صنایع دستی، روش‌های تولید و تولیدات خاص محلی، زبان و روش‌های سنتی روستایی را در بر می‌گیرد. ج) ارزش‌های اجتماعی به عنوان سومین دسته، شامل مواردی مانند شبکه‌های اجتماعی، روابط خویشاوندی، اعتماد و درک متقابل و شیوه‌های خاص ارتباطات روستایی می‌شود (۲۰۰۶: Integrated)

دولت و نهاد های وابسته به آن:

در الگوی حکمرانی مردم‌پایه (شکل ۱)، دولت و نهادهای وابسته به آن که اساساً به صورت مداخلات از بالا به پایین سیاسی عمل کرده و دارای ساختار بوروکراتیک هستند، فقط تدوین قوانین و تقسیم منابع دولتی را بر عهده دارند [۹]. همچنین وظیفه هدایت برنامه‌ها در راستای اهداف توسعه‌ی کشور و هم‌جهت با توسعه‌ی پایدار بر عهده دولت و نهادهای دولتی خواهد بود.

نهاد های محلی:

نهادهای محلی در الگوی حکمرانی مردم‌پایه جهت مدیریت توسعه‌ی پایدار روستایی ضرورتاً در برگیرنده فرآیندهای پایین به بالا و درون‌زا هستند (۲۰۰۶: Integrated)

بخش خصوصی و بازار:

مطابق شکل ۱، بخش خصوصی و بازار در ارتباط متقابل با دولت و نهادهای محلی می‌باشد (۲۰۰۶: Integrated) بخشی از فعالان در این عرصه، بنگاه‌های اقتصادی خارج از محیط روستایی و بخشی دیگر را صندوق‌های اعتباری خرد و بنگاه‌های مالی خرد-مقیاس روستایی تشکیل می‌دهند.

منابع محدود:

منظور از منابع محدود (شکل ۱)، توانایی و منابع محدود برای تولید کالا و خدمات قابل فروش در بازار جهانی است. منابع محدود و دسترسی نامطلوب به آن در مناطق روستایی ناشی از وابستگی‌های طولانی مدت سیاسی و اقتصادی آنها به مراکز شهری، ساختار غیرمطلوب آنها، موقعیت جغرافیایی و کمبود برخورداری از کالا و اطلاعات و منابع مرکزی است و در سه دسته موسسات، انسانی و مالی دسته بندی می‌گردد. وجود نیروی انسانی پراکنده با سطح آموزش پایین، کمبود نیروی جوان و مهاجر این قشر، عدم وجود اعتماد در جامعه‌ی روستایی، ضعف در منابع مالی و کمبود موسسات مدنی عمومی از جمله این محدودیت‌ها در مناطق روستایی محسوب می‌شود (Integrated: ۲۰۰۶)

دسترسی محدود به زیرساخت‌ها:

منظور دسترسی محدود به زیرساخت‌های ضعیف فیزیکی مانند جاده، امکانات فیزیکی، اتصالات از راه دور و غیره و یا زیرساخت‌های نرم مانند خدمات مالی و تجاری، موسسات آموزشی یا بهداشتی و غیره می‌باشد. دسترسی محدود به زیرساخت‌ها، زمینه‌ی محرومیت مناطق روستایی را از جریان زندگی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی سبب گردیده و موجب حفظ وضعیت توسعه‌نیافتگی می‌گردد (Integrated: ۲۰۰۶)

مطابق شکل ۱، دولت، نهادهای محلی، بخش خصوصی و بازار، در تعامل با یکدیگر هستند. همانگونه که در تصویر مشاهده می‌شود دوایر یکسانی برای نشان‌دادن این سه بخش به کار برده شده که نشان از توسعه‌ی نهادسازی متناسب در هر سه بخش دارد. مطابق شکل ۱، کنترل، منابع و مسئولیت‌ها در سطوح مختلف سیستم پراکنده شده است و وجود نهادهای محلی توانمند یکی از شروط لازم تحقق توسعه‌ی پایدار روستایی در این مدل است. منابع مرکزی و دولتی که به منظور توسعه‌ی محلی اختصاص داده شده‌اند، از طریق دولت و سیستم مرکزی توزیع می‌گردند. سهمی از منابع دولتی باید صرف غلبه بر ضعف‌ها در منابع و دسترسی محدود به زیرساخت‌ها گردد. مطابق با شکل ۱، سهم قابل توجهی از این منابع به تقویت نهادسازی محلی اختصاص می‌یابد که در زمینه‌ی آزادسازی و بهره‌گیری از منابع محلی می‌تواند مؤثر واقع گردد. بهره‌گیری از منابع محلی بر مبنای مشارکت و تفکرات سطوح محلی و همچنین تنوع‌بخشی به اقتصاد محلی، ارزش افزوده‌ای را ایجاد خواهد نمود که در دسترس نهادهای محلی قرار می‌گیرد. در نهایت، نهادهای محلی نیز از این طریق خواهند بود که در زمینه غلبه بر معایب مربوط به دسترسی و منابع اثر گذار بوده و با تشخیص اولویت‌ها محلی در این زمینه اقدام نمایند. به طور خلاصه، ایجاد چنین سیستمی باعث خواهد شد که توسعه‌ی متعادلی در زمینه عملکرد اقتصادی مناطق روستایی و دسترسی آنها به بازارها ایجاد گردد.

با توجه به نیاز ایجاد محیط تعاملی و دوسویه‌سازی رویکردها جهت برقراری سازوکار حکمرانی مردم‌پایه‌ی روستایی، در ادامه، مواردی به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند.

مدیریت، انسجام‌بخشی و تقویت هماهنگی بین سازمانی و نهادی

مجموعه تعاملات بین بخش‌های دولتی، مردمی و بازار در حکمرانی مردم‌پایه، قبل از برقراری نیاز به پس‌زمینه‌ی مدیریتی و سیاسی مناسب نیاز دارند. در این راستا، سیستم دولتی که تاکنون غالب بر سایر بخش‌ها و ذینفعان توسعه‌ی روستایی بوده، باید پذیرای گروه‌ها و بخش‌های مذکور شود. بنابراین باید اصلاح قوانین، تغییر رویه‌ها و رویکردها جهت تمرکززدایی و پایه‌ریزی مدیریت مشارکتی، مورد توجه ویژه قرار گیرد. بطور کلی، اقدامات لازم در بعد مدیریتی و هماهنگی‌های سازمانی و نهادی شامل موارد زیر است.

- ✓ ایجاد، تقویت و توسعه‌ی یک نهاد هماهنگ‌کننده و اجرایی و نه صرفاً مشورتی در حوزه‌ی توسعه و عمران روستایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی
- ✓ تمرکززدایی در اختیارات سطوح مختلف دولتی و نظام تخصیص منابع مالی
- ✓ شناسایی و تحلیل ذینفعان و دست‌اندرکاران کلیدی و اولویت‌بندی ایشان جهت جلب همکاری و مشارکت
- ✓ پایه‌ریزی مدیریت مشارکتی با دخیل کردن تمام نهادهای دولتی، غیردولتی، بازار و جامعه روستایی
- ✓ توانمندسازی مدیران دولتی جهت فعالیت مشترک با مردم روستایی
- ✓ هماهنگی با مسئولین محلی (اعضای شورای اسلامی روستا، دهیار و بخشدار و...) و ایجاد اجماع عمومی
- ✓ برگزاری جلسات مشترک با مسئولین محلی و مذاکره و مطالبه جهت حمایت از ایده‌های جامعه روستایی
- ✓ تقویت مدیریت محلی (شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها) به منظور مشارکت بیشتر در توسعه
- ✓ شناسایی و رفع موانع کار گروهی و تیمی

بررسی وضعیت موجود و تهیه نقشه راه برای رسیدن به وضع مطلوب

بررسی موقعیت، اولین مرحله از نظر اقدام و عمل در سطح روستا و در سطح جامعه روستایی است. بدون بررسی موقعیت، هیچ برنامه‌ای به درستی طراحی نخواهد شد و همچنین هیچ تضمینی برای تداوم و دستیابی به اهداف آن برنامه وجود نخواهد داشت. منطقی مفهوم برنامه‌ریزی حکم می‌کند که ابتدای راه، با اشراف کامل اطلاعاتی و دانشی از جامعه محلی شروع شود که در این راستا نقش دانش بومی و دانش نوین در جهت انعکاس و خواسته‌های واقعی و مورد اجماع بسیار پررنگ و حیاتی است. با وجود این گونه از بررسی‌ها، منابع و محدودیت‌های آنها و همچنین میزان دسترسی به آنها در سطح روستا(ها) که مطابق شکل ۱، بخش عمده‌ای از منابع مالی را به

خود مطعوف داشته‌اند، به شکل مناسب‌تری منعکس خواهد شد. هم‌چنین، روش‌شناسی مورد استفاده به عنوان نقطه کانونی فرآیند باید در قالب یک رویکرد مشارکتی تعریف شود. ابزارهای ارزیابی مشارکتی روستایی و اقداماتی از این دست باید در طراحی، اجرا و پایش پروژه‌های عمرانی و یا توسعه‌محور در روستاها به نحو مقتضی مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به موارد فوق، اقدامات زیر در جهت بررسی وضعیت مطلوب و تهیه نقشه راه ضروری است.

- ✓ جمع‌آوری اسناد و گزارشات موجود مربوط به روستا و منطقه (طرح هادی روستا، نتایج مطالعات طرح توسعه و یا آمایش سرزمین شهرستان، مطالعات منابع طبیعی و یا محیط زیست موجود و نظایر آن)
- ✓ برگزاری جلسات مشورتی و هم‌اندیشی مرتب و منظم در بین گروه‌های روستایی جهت بررسی و تحلیل وضع موجود
- ✓ شناخت وضع موجود، آسیب‌شناسی، ریشه‌یابی مشکلات و بررسی عوامل موثر بر آن با استفاده از ابزارهای مشارکتی
- ✓ تدوین چشم‌انداز آبادانی و توسعه متناسب با شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی منطقه
- ✓ تدوین نقشه‌ی راه و تهیه‌ی برنامه‌ی جامع مشارکتی اقدام محلی (در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نهادی و محیط زیستی)

بهره‌برداری از سرمایه انسانی موجود و تلاش جهت تقویت آن

وجود سرمایه‌ی انسانی و مدیریت منابع انسانی از بدیهی‌ترین ابزارهای لازم جهت حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار است. در رویکرد بالا به پایین و مدل‌های انتقال نوآوری و دانش خطی، جوامع روستایی به عنوان کاربر نهایی فرآیند توسعه انگاشته می‌شوند، در حالی که انبوهی از دانش، تجارب، ایده‌ها، انگیزه‌ها و مواردی از این دست را نادیده می‌گیرند. رویکرد حکمرانی مردم‌پایه با فرض برقراری تعاملات و روابط افقی بین بخش‌های محلی، دولتی و بازار قبل از هر موضوعی، اهمیت مدیریت مشارکتی، یادگیری افقی و اجتماعی و تولید مشارکتی دانش درون و بین این بخش‌ها را برجسته می‌سازد. بدون در نظر گرفتن این مسائل حرکت جهت غلبه بر رفع محدودیت‌ها و عدم دسترسی‌ها در منابع به منظور بهبود عملکرد اقتصادی و بهبود دسترسی به بازارها غیرممکن به نظر می‌رسد. این بخش از مقاله، مهمترین اقدامات در راستای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و تقویت آن در محیط‌های روستایی جهت ایجاد دانش و فهم مشترک توسعه ذکر شده‌اند که شامل موارد زیر است.

- ✓ شناسایی افراد علاقه‌مند به توسعه‌ی محلی (افراد ساکن در روستا و یا خارج از روستا)، شناسایی نخبگان دانشگاهی، خبرگان محلی و دعوت از ایشان جهت همراهی و همکاری در فرآیند توسعه‌ی محلی

- ✓ شناسایی و مستندسازی دانش بومی و انتقال مهارت‌های خبرگان محلی به جوان‌ترها و افراد علاقه‌مند
- ✓ تلاش در زمینه ایجاد محیط‌های یادگیری اجتماعی و تولید مشارکتی دانش پایداری در سطح جامعه محلی
- ✓ تلاش در زمینه‌ی توانمندسازی روانشناختی - انگیزشی (خودباوری، اعتماد به نفس، خوداتکایی و تغییر نگرش)
- ✓ توانمندسازی جامعه‌ی روستایی در زمینه مهارت‌های لازم برای ایفای نقش‌های مختلف در امور برنامه‌ریزی روستایی
- ✓ ایجاد هنجارهای ذهنی مثبت در افراد با نمایش موارد، تجربیات و نتایج موفق از حکمرانی مردم‌پایه
- ✓ نیازسنجی آموزشی و ارائه خدمات آموزشی و ترویجی توسط مراجع ذیربط جهت استفاده بهینه از منابع موجود و افزایش بهره‌وری
- ✓ برانگیختن افراد، به ویژه جوانان روستایی برای ایجاد خلاقیت و نوآوری در زمینه تولید و یا ارائه خدمات جدید
- ✓ آموزش جامعه‌ی روستایی برای راه‌اندازی مشاغل نوآورانه و خلاق در کشاورزی و محیط‌های روستایی در راستای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و بنگاه‌های مالی
- ✓ آموزش و مشاوره در زمینه فرآیندهای بازاری و کارکردن با بخش خصوصی
- ✓ توانمندسازی مردم روستایی برای مشارکت در تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت، و ارزشیابی روند توسعه
- ✓ آشنا نمودن افراد با برنامه‌ریزی نتیجه‌محور و ابزارهای برنامه‌ریزی مشارکتی
- ✓ آشناساختن مردم محلی با تکنیک‌های پایش و ارزیابی مشارکتی
- ✓ تلاش در زمینه مهارت‌آموزی و حرفه‌آموزی متناسب با نیازها و پتانسیل‌های منطقه بخصوص فناوری‌های نوین
- ✓ فراگیری فنون مذاکره، مطالبه‌گری، اظهار نظر و پیشنهاد جهت کار با دستگاه‌های دولتی ذیربط
- ✓ آموزش در مورد مسائل حقوقی و ثبتی کسب و کارها، آشنایی با قوانین کار و ...

بهره‌برداری و توسعه‌ی سرمایه اجتماعی

اگر چه نقش سرمایه‌ها و ظرفیت‌های موجود در روستاها جهت حرکت به سمت توسعه یکسان انگاشته شده ولی در بسیاری از موارد تمرکز برای شروع اقدام توسعه، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی لازمی شروع و تداوم هر برنامه‌ای در سطح روستا است. به دلیل نقش ضعیف نهادهای محلی و عدم توانایی یا رغبت بخش دولتی در کشور، تاکنون به شکل مطلوبی از این سرمایه جهت بهبود وضعیت معیشت در روستاها استفاده نشده

است؛ چه بسا موارد پروژه‌ای در سطح روستاها وجود دارند که با وجود هزینه‌بری‌های زیاد، اقبال عمومی مناسب و مساعدی را ندارند. توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با افزایش جریان دانش، آگاهی، نیازها و خواسته‌های واقعی، در روند پیگیری نیازهای محسوس و تبدیل نیازهای نامحسوس به محسوس نقش ویژه‌ای دارد. علاوه بر این در بعد تضمین حق اظهار نظر، حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت، ایجاد محیط امن برای جذب سرمایه و مواردی از این دست که اصول حکمرانی مردم‌پایه هستند، نقش ویژه‌ای دارد. رضایت عمومی از توسعه از طرق جلب مشارکت از ابتدای فرآیند مذکور و توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی افزایش خواهد یافت. جهت تحقق این مهم، در ادامه به مهمترین اقدامات لازم اشاره می‌شود.

- ✓ سازماندهی صاحب‌نظران، نخبگان محلی و نمایندگان گروه‌های روستایی (شوراها و دهیاران) بعنوان اتاق فکر توسعه‌ی محلی در قالب شبکه‌های تسهیم دانش و اطلاعات در فضای مجازی
- ✓ اعتمادسازی و تشکیل شبکه‌های اجتماعی قوی با مردم محلی توسط نهادهای دولتی و اجرایی در راستای شفافیت‌سازی و تضمین حاکمیت قانون
- ✓ تقویت مشارکت، تعاون و مسئولیت‌پذیری در بین اعضای جامعه روستایی
- ✓ تقویت سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی
- ✓ تشکیل کارگروه‌های اشتغال و کارآفرینی و توانمندسازی آنها جهت ایجاد محیط فرصت‌شناسی کسب و کار در روستا، حمایت در بازاریابی و فروش
- ✓ ایجاد امکان ارتباط قشرهای مختلف روستایی به‌ویژه جوانان روستایی با شبکه‌های کارآفرینان و بنگاه‌های تجاری بزرگ در بخش کشاورزی و تسهیل فضای گفتگو و ارتباط در این گروه‌ها
- ✓ شبکه‌سازی در فضای مجازی به منظور تسهیم ایده‌ها و تجارب کسب و کارهای روستایی،
- ✓ سازماندهی، شبکه‌سازی و تاسیس شرکت تعاونی فراگیر و توانمند
- ✓ کمک به ارتباط تشکلیها با موارد مشابه در مناطق و روستاهای دیگر
- ✓ نهادینه‌سازی مشارکت روستائیان در تصمیم‌گیری، مدیریت و پایش برنامه‌های توسعه و عمران روستایی از طریق تشکلیهای مردمی روستایی
- ✓ مدیریت تضاد و حل اختلافات در جوامع روستایی

تقویت سرمایه‌های اقتصادی و مالی در نواحی روستایی

حکمرانی مردم‌پایه با تمرکز ویژه بر بخش خصوصی و بازار به عنوان یکی از مولفه‌های مهم، باعث تسهیل جریان ورود بنگاه‌های اقتصادی و جوانان و نوپذیران روستایی به حوزه اقتصاد کشاورزی و بوم‌گردی، احیای

آیین‌ها، فرهنگ‌ها و سنت‌ها با هدف جذب گردشگر، تولیدات غیرکشاورزی و برندسازی خواهد شد و فصل نوینی از شکوفایی اقتصاد روستایی را ایجاد خواهد کرد. در این راستا، اقداماتی باید مورد اقدام قرار بگیرند که شامل موارد زیر است.

- ✓ شناسایی فرصت‌های کسب و کار، خلق ایده و مدل‌های اعتبارسنجی ایده (با توجه به مزیت‌های منطقه)
- ✓ تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد جهت جمع‌آوری پس‌اندازها و اعطای وام به اعضای صاحب ایده‌ی کسب و کارهای خرد، خانگی و کوچک
- ✓ تلاش در جهت راه‌اندازی کسب و کارهای گروهی با استفاده از ظرفیت اعضای صندوق‌های اعتباری
- ✓ پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ی کشاورزی و دامپروری و استفاده از پتانسیل‌های موجود در روستا جهت توسعه‌ی گردشگری و بوم‌گردی، جمع‌آوری و یا کاشت گیاهان دارویی، فرآوری محصولات کشاورزی و دامی، احیای صنایع دستی و صنایع روستایی فراموش شده، احیای مراسم آئینی و سنتی و حفظ اصالت و هویت روستا یا جامعه عشایری و

- ✓ تلاش در زمینه بسته‌بندی و برندسازی محصولات تولیدی و تبلیغ و معرفی آنها از طرق ممکن
- ✓ شناسایی مدل کسب و کار و انتخاب بهترین مدل برای ایجاد فعالیت کارآفرینانه
- ✓ شناسایی روش‌های بهینه‌سازی فرآیند مدیریت کسب و کار و شناخت مدل‌های بازاریابی
- ✓ استفاده از ظرفیت فضای مجازی جهت بازاریابی و فروش محصولات محلی و حذف واسطه‌ها
- ✓ شناسایی روش‌های پایدارسازی کسب و کار
- ✓ بررسی روش‌های مختلف تامین مالی جهت کمک به بهبود و یا توسعه‌ی کسب و کارهای محلی
- ✓ ترغیب مشارکت بخش غیردولتی و خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی روستایی

توسعه‌ی و بهبود زیرساخت‌های فیزیکی، طبیعی و زیست‌محیطی

از عوامل مهم به‌شمار آمدن یک فضای جمعیتی به عنوان فضایی کمتر برخوردار، وضعیت زیرساخت‌های فیزیکی، طبیعی و زیست‌محیطی است. همانگونه که در شکل ۱، مشاهده می‌شود، این موضوع اهمیت ویژه‌ای در الگوی حکمرانی مردم‌پایه دارد و بخشی زیادی از توان سیستم صرف غلبه بر کاستی‌ها در زیرساخت‌ها می‌شود. از این رو، توسعه‌ی زیرساخت‌های عمرانی روستایی و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و محیط زیست، سرعت حرکت به سمت پایه‌ریزی حکمرانی مردم‌پایه را تسریع و به تداوم آن، قوت خواهد بخشید. در این رابطه، برخی اقدامات ضروری ذکر شده است.

- ✓ تلاش جهت بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و محیط زیست

- ✓ پیگیری لازم جهت تخصیص منابع کافی جهت بهبود زیرساخت‌های عمرانی
- ✓ پیگیری لازم جهت توسعه‌ی زیرساخت‌های مورد نیاز در زیباسازی روستا و حفظ هویت روستا

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

به دلیل ساختار متمرکز برنامه‌ریزی در کشور و دیگر مشکلاتی مانند فقدان مدیریت واحد روستایی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی، فقدان منابع مالی پایدار و کم‌رنگ‌بودن مشارکت مردم، تاکنون اندک تدابیری هم که در زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی اندیشیده شده موفقیت مورد انتظار را به همراه نداشته و نتوانسته انتظارات لازم را برآورده کند. پرواضح است که توسعه و عمران روستایی با مردم، به وسیله‌ی مردم و برای مردم، برنامه‌های موثرتری را طراحی و اجرا خواهد کرد. دولت‌ها در این زمینه باید حمایت خود را گسترش داده و سعی در هموارسازی مسیر توسعه نمایند. تحقق توسعه درونزا، متوازن و پایدار نیاز به مشارکت همه اعضای جامعه محلی دارد. با توجه به اینکه جامعه روستایی شناخت مناسبی از روحیات، فرهنگ، آداب و رسوم، سوابق تاریخی منطقه خویش، شرایط اقتصادی-اجتماعی و وضعیت منابع طبیعی و محیط زیست محل سکونت خود دارند، باید در ترسیم نقشه راه آبادانی و پیشرفت منطقه خویش نقش محوری داشته باشند. چنین نقشی باعث خواهد شد که آنها در پیاده‌سازی و اجرای آن برنامه نیز با جان و دل همکاری نمایند؛ زیرا نسبت به برنامه تهیه‌شده احساس تعلق خاطر دارند. بدیهی است بدون مشارکت فعال و همکاری جامعه‌ی محلی در فرآیند توسعه‌ی روستایی، شانس موفقیت بیرونی‌ها (نیروهای حمایت‌کننده‌ی بیرونی از بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی) کاهش خواهد یافت. این موضوع به معنی واگذاری کل فرآیند توسعه به مردم محلی و روستایی نیست، به این دلیل که درخواست مردم محلی (بدلیل توجه بیشتر به منافع کوتاه‌مدت و زود بازده) ممکن است در راستای اهداف توسعه‌ی پایدار نبوده و در درازمدت سبب بروز خسارت شود. بهترین الگو جهت ترکیب رویکردهای بالا به پایین (دولت به سوی مردم) و پایین به بالا (مردم به سوی دولت)، ایجاد یک سیستم حکمرانی مردم پایه است. تاکنون، مردم محلی، در کمتر پروژه‌ای، از ابتدای مراحل مطالعاتی (مرحله‌ی شناخت، مراحل توجیهی و تفصیلی - اجرایی)، دخیل بوده و در طراحی و سپس اجرا، بهره‌بردار، و همچنین پایش و ارزیابی اثرات آن، نقش جدی و موثری داشته‌اند. بنابراین، نمی‌توان ادعا نمود که پروژه‌ای با رویکرد کامل و درست مشارکت مردمی طراحی و اجراء شده است. بکارگیری الگوی حکمرانی مردم پایه در روستاها برای نیل به اهداف عمرانی و توسعه‌ای می‌تواند حلال مشکلات فعلی باشد. برهم‌کنش‌های درونی این سیستم، باعث ایجاد برآیندی مثبت در پیشبرد اهداف ذینفعان مختلف خواهد شد و در واقع جلب مشارکت که نقطه شروع برنامه‌های حکمرانی است باعث جریان مناسب و مقتضی منابع توسعه‌ای دولتی و محلی خواهد شد. علاوه بر

این، نهادهای مدنی و تشکلهای روستایی هم تراز با بخشهای دولتی و خصوصی شده و می‌توانند بعنوان عنصری فعال و تاثیرگذار باشند. این نهادها، می‌توانند تصمیمات و خواسته‌های خود را در زمینه مسائل مرتبط با عمران و توسعه‌ی روستایی به بخش دولتی و خصوصی حکم کنند؛ و قادر خواهند بود تفاوت‌ها، تضادها و تعارضاتشان را با اهداف سیاستگذاران دولتی و منافع بخش خصوصی و دولتی، تعدیل کنند. پایه‌ریزی مدیریت توسعه‌ی روستایی مبتنی بر حکمرانی مردم‌پایه با ظرفیت‌سازی و تعدیل رویه‌های دولتی و مدیریتی، زمینه‌ساز رویت اهداف همه‌کنشگران مختلف توسعه و عمران روستایی خواهد شد. با ایجاد فضایی مبتنی بر شفافیت، پاسخگویی، و مشارکت، رضایت عمومی را به حد بیشینه خود خواهد رسید. بنابراین، نگهداشت جمعیت روستایی و روند مهاجرت معکوس مورد مشاهده خواهد بود. با این وجود، تداوم و ثبات الگوی مذکور، نیاز به سرمایه‌گذاری بنیادین در ابعاد مختلف دارد. به بیان دیگر ظرفیت‌سازی در ابعاد مختلف مدیریتی، سازمانی، انسانی، اجتماعی، اقتصادی و مالی و تقویت منابع و زیرساخت‌ها به عنوان پیشران جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار به‌ویژه نگهداشت جمعیت روستایی و افزایش تاب‌آوری آنها ضروری است.

مراجع:

۱. رکن‌الدین افتخاری عبدالرضا | عظیمی آملی جلال | پورطاهری مهدی | احمدی پور زهرا (۱۳۹۰). تبیین رابطه رهیافت حکمرانی خوب و توسعه‌ی پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران. پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره چهارم. صص ۱-۳۴
۲. ملکیان، ع و حیاتی، د. (۱۳۹۳). الگوی گزیداری توسعه‌ی روستایی بر مبنای حکمرانی خوب و رویکرد ترکیبی. اولین همایش ملی کشاورزی، محیط زیست و امنیت غذایی
۳. مرقمی، سید محمد و مصطفی اعلایی اردکانی (۱۳۹۰). سنجش شاخصهای حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۷۱-۱۸۸.
۴. کوهستانی، ح و قاسمی، ن (۱۳۹۳). نقش حکمرانی خوب در مدیریت توسعه‌ی روستایی پایدار. اولین همایش ملی توسعه‌ی پایدار روستایی در افق ۱۴۰۴
۵. Becerra, A. T., & Bravo, X. L. (۲۰۰۹). Planning and neo-endogenous model for sustainable development in Spanish rural areas. ۳èmes journées de recherches en sciences sociales. On line in: www.sfer.asso.fr/content/download
۶. Böcher, M. (۲۰۰۸). Regional governance and rural development in Germany: the implementation of LEADER+. Sociologia ruralis, ۴۸(۴), ۳۷۲-۳۸۸.
۷. Mantino, F. (۲۰۰۹). Typologies of governance models (No. ۱۲۰۷۳۵)
۸. Goodwin, M. (۱۹۹۸). The governance of rural areas: some emerging research issues and agendas, Journal of Rural Studies ۱۴(۱), ۵-۱۲.
۹. Nemes, G. (۲۰۰۶). Integrated Rural Development, The Concept and Its Operation. Budapest.



محمد جونی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل

واکاوی حکمرانی

هوش مصنوعی و قانون بین المللی حقوق بشر

چکیده:

اهداف: هدف این مقاله تحلیل حکمرانی هوش مصنوعی (AI) از دیدگاه حقوق بشر (HR) است. این کار با شناسایی رابطه بین هوش مصنوعی و منابع انسانی با ارزیابی فرصت ها و خطراتی که هوش مصنوعی برای منابع انسانی ایجاد می کند آغاز شده است. همچنین کفایت قواعد حقوق بین الملل حقوق بشر برای محافظت از افراد در برابر این خطرات را بررسی کرد. علاوه بر این، چشم اندازی برای امکان همسویی حکمرانی هوش مصنوعی با منابع انسانی ارائه کرد. روش ها: رویکرد استقرایی - تحلیلی با بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر منابع انسانی و تحلیل مهم ترین ابزارهای مرتبط با حفاظت از منابع انسانی و بیان نقش آنها در تنظیم حکمرانی این فناوری ها برای حفظ حقوق بشر و کرامت افراد دنبال شد. نتایج: این مقاله به چندین نتیجه رسید، از جمله اینکه هوش مصنوعی افق های جدیدی را برای توسعه تمدن بشری باز می کند. با این حال، خطرات اجتماعی و حقوقی بسیاری هم برای افراد و هم برای دولت ها به همراه دارد. ما همچنین دریافته ایم که قوانین کلی تنظیم کننده منابع انسانی که در اسناد بین المللی تصریح شده اند برای سازگاری با توسعه فناوری های هوش مصنوعی کافی نیستند. نتیجه گیری: این مقاله به این نتیجه رسید که هوش مصنوعی باید با اتخاذ رویکردی مبتنی بر ارزش های اخلاقی یکپارچه و اصول احترام به منابع انسانی توسعه یابد. علاوه بر این، بر اهمیت وحدت بین المللی اصول کلی یا اتخاذ دستورالعمل هایی برای تنظیم هوش مصنوعی زیر چتر سازمان ملل تأکید کرد. در تدوین این دستورالعمل ها، مشارکت همه طرف های مرتبط مانند دولت ها، سازمان های بین المللی و کارشناسان مستقل مرتبط با هوش مصنوعی ضروری است.

کلمات کلیدی: حقوق بین المللی حقوق بشر، الگوریتم ها، داده های بزرگ، هوش مصنوعی

استفاده از فناوری های هوش مصنوعی بر بسیاری از بخش ها و زمینه های زندگی مانند کار و سلامت تاثیر می گذارد. بر کسی پوشیده نیست که یکی از راه هایی که هوش مصنوعی می تواند فرصت های بزرگی برای پیشرفت حقوق بشر در بسیاری از زمینه های زندگی فراهم کند، به عنوان مثال، هوش مصنوعی به تسهیل فرآیند آموزش و دسترسی دانش به گروه های مختلف اجتماعی کمک کرده است. به خصوص در دوره بحران همه گیر، که بسیار دشوار بود، بدون توسل به تکنیک های هوش مصنوعی از آن بگذرید. با این حال، بسیاری از مشکلات و چالش ها را باید در برخورد با هوش مصنوعی در نظر گرفت که می تواند حفاظت از حقوق بشر را به طور کلی یا خاص تضعیف یا نقض کند. به عنوان مثال، استفاده از هوش مصنوعی می تواند حق برابری و جلوگیری از تبعیض را که یکی از مهمترین ارکانی است که به طور کلی نظام حقوق بشر بر آن استوار است، تهدید کند. علاوه بر این، فناوری های هوش مصنوعی ممکن است حقوق خصوصی مانند حق حریم خصوصی افراد را تهدید و نقض کنند یا آن ها را به صورت سیستماتیک و سازمان یافته تقویت کنند، به طوری که این فناوری ها به عنوان سوپاپ اطمینانی برای برخورداری از حقوق اولیه و شخصی و شخصی عمل کنند. آزادی سیاسی، و بنابراین ما در اینجا در مورد یک شمشیر دو لبه صحبت می کنیم.

اهمیت پژوهش:

اهمیت این مطالعه از آنجا مشهود است که هوش مصنوعی به طور مستقیم با حقوق اولیه بشر چه به صورت مثبت و چه منفی برخورد می کند، گویی در این راستا سعی داریم نیاز مستمر خود به توسعه فناوری های هوش مصنوعی و حفظ حقوق افراد مقرر شده را متعادل کنیم. در حقوق بین الملل حقوق بشر، مانند حق افراد برای نقض نشدن حریم خصوصی آنها. بر این اساس، جامعه بین المللی باید کار این فناوری ها را از طریق مجموعه ای از قوانین، قوانین و مبانی حاکم بر توسعه هوش مصنوعی و نحوه عملکرد آن ها به گونه ای تنظیم کند که با رعایت قوانین بین المللی حقوق بشر سازگار باشد. چیزی است که از منظر حقوق بشر به آن حکمرانی هوش مصنوعی می گویند.

سوال اصلی:

قوانین بین المللی حقوق بشر چگونه می تواند به تنظیم کار هوش مصنوعی و حکمرانی بر توسعه آن کمک کند؟

سوال فرعی:

سؤال فرعی از این مسئله اصلی منشعب می شود که مهمترین آنها عبارتند از:

- هوش مصنوعی چیست؟
- حقوق بشر با استفاده از هوش مصنوعی چگونه تحت تاثیر قرار می گیرد؟
- چه ابزارهای قانونی مربوط به حمایت از حقوق بشر می تواند برای تنظیم هوش مصنوعی استفاده شود؟
- چگونه می توان ارزش ها و اخلاق انسانی را در اتخاذ رویکردی برای مدیریت توسعه هوش مصنوعی و تنظیم کار آن گنجاندها؟

هدف پژوهش:

این پژوهش با بررسی رابطه هوش مصنوعی با حقوق بشر، تبیین چستی هوش مصنوعی و سپس شناسایی مجموعه فرصت ها و چالش هایی که کاربردهای هوش مصنوعی بر روی حقوق بشر ایجاد می کند. این پژوهش همچنین با هدف دستیابی به حکمرانی هوش مصنوعی و سازماندهی کار آن و توسعه آن به شیوه ای، مهم ترین منشور حقوق بین الملل حقوق بشر و رویه ها و روندهای بین المللی و منطقه ای مربوط به تنظیم کار این فناوری ها را بررسی می کند. مطابق با قوانین بین المللی حقوق بشر روش مطالعه: ما عمدتاً از رویکرد استقرایی و تحلیلی استفاده خواهیم کرد که مبتنی بر تعریف ماهیت هوش مصنوعی و ارتباط آن با حقوق بشر از نظر برون یابی فرصت ها و خطراتی است که هوش مصنوعی برای حقوق بشر ایجاد می کند و چگونگی آن را تحلیل خواهیم کرد. حقوق بین الملل حقوق بشر به نوبه خود به تنظیم این فناوری ها برای حفظ حقوق و منزلت اولیه کمک می کند.

سازمان دهی پژوهش:

ما مطالعه را به شکل زیر تقسیم می کنیم:

در بخش اول در مورد چستی هوش مصنوعی و ارتباط آن با حقوق بشر به طور کلی صحبت خواهیم کرد و قبل از شناسایی فرصت ها و خطراتی که هوش مصنوعی برای حقوق بشر دارد، ابتدا به تعریف هوش مصنوعی می پردازیم.

در بخش دوم، پیوند حقوقی هوش مصنوعی و حقوق بین الملل حقوق بشر را با تحلیل مهم ترین اسناد بین المللی مرتبط با حقوق بشر و کفایت آنها در مواجهه با چالش های ناشی از هوش مصنوعی و سپس پیشنهاد حقوق بشر

مورد بحث قرار می‌دهیم. رویکردی مبتنی بر حکمرانی هوش مصنوعی در سطح بین‌المللی که طبیعتاً به‌طور متوالی در سطح ملی کشورها منعکس خواهد شد.

مبحث اول:

رابطه هوش مصنوعی با حقوق بشر

حقوق با توسعه نیاز به پیدایش آن، توسعه می‌یابد، چرا که توسعه جامعه در ابتدا مبنای وجود قانون بوده و ملاک توسعه آن است. از آنجایی که ما در عصر توسعه هستیم، قانون باید به گونه‌ای با این تحولات همگام شود که نیاز ما به سازماندهی جوامع انسانی را داشته باشد. در اینجا رابطه اجتناب‌ناپذیر حقوق و توسعه فناوری متبلور می‌شود، به این معنی که توسعه فناوری به عنوان مهمترین جنبه جوامع مدرن باید توسط قواعد حقوقی تنظیم شود که از یک سو بر شکل‌گیری و عملکرد متغیرهای فناورانه حاکم است و رابطه بین آنها را تنظیم می‌کند.

با جامعه و افراد در این تحقیق با تخصیص فناوری به هوش مصنوعی و تخصیص حقوق به شاخه حقوق بین‌الملل حقوق بشر به رابطه حقوق با فناوری می‌پردازیم زیرا در اینجا قانون توجه ما هستند. بر این اساس ابتدا با تعریف ماهیت هوش مصنوعی به عنوان یکی از اشکال فناوری مدرن شروع می‌کنیم و اگر بخواهیم رابطه این حوزه با حقوق بشر را درک کنیم لازم است به تعریفی از هوش مصنوعی برسیم که بر اساس آن مطالعه خود را انجام دهیم. سپس با تحلیل تاثیر هوش مصنوعی بر حقوق بشر به بررسی این رابطه می‌پردازیم.

هوش مصنوعی چیست؟

هوش مصنوعی نوعی فناوری است که بشریت از زمان‌های قدیم به دنبال دستیابی به آن بوده است. تصورات بشری در توسعه مکانیسم‌هایی که قادر به تجزیه و تحلیل و انجام اقدامات مستقل هستند به صدها سال قبل باز می‌گردد و در طول قرن بیست و یکم با توسعه فناوری‌هایی که قادر به انجام اعمال به‌طور مستقل هستند، از تخیل به واقعیت حرکت کردیم، اما آنها هنوز در مراحل اولیه خود هستند. مانند هر پیشرفتی در جامعه بشری، این فناوری‌ها که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با افراد کار می‌کنند، مزایا و معایب خود را دارند، به این معنی که فرصت‌های جدیدی را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهند تا زندگی‌شان را بهبود بخشند و با حفظ حقوق اولیه‌شان، آنها را قادر می‌سازند تا به زندگی شایسته‌ای دست یابند. از سوی دیگر، با مدرنیته خود، ممکن است برای حقوق بشر، افراد و آزادی‌های عمومی آنها، چالش‌ها و خطراتی ایجاد کنند. علیرغم اهمیت هوش مصنوعی در دنیای فناوری، هیچ تعریف جامع و مورد توافق از هوش مصنوعی وجود ندارد، زیرا هوش مصنوعی بیشتر یک حوزه

است تا مفهومی که به راحتی قابل تعریف باشد (Andersen, ۲۰۱۸, p. ۸). تعاریف تایید شده هوش مصنوعی بسته به تخصصی که در آن توسعه یافته متفاوت بوده است. هوش مصنوعی از رشته هایی غیر از علوم کامپیوتر گرفته شده است. مانند روانشناسی، علوم اعصاب، علوم شناختی، فلسفه، زبانشناسی، احتمالات و منطق. بر این اساس، هوش مصنوعی به عنوان یک حوزه دانش را می توان به بسیاری از زیرشاخه های بسیار متقاطع، مانند یادگیری ماشین و رباتیک، و سپس شبکه های عصبی و بینایی، تقسیم کرد. و همچنین پردازش زبان طبیعی و پردازش گفتار (اندرسن، ۲۰۱۸، ص ۸). بنابراین، تعاریف زیادی از هوش مصنوعی وجود دارد، برخی هوش مصنوعی را «علم و مهندسی ساخت ماشین های هوشمند، به ویژه برنامه های رایانه ای هوشمند» تعریف کرده اند. نباید به روش هایی محدود شود که از نظر بیولوژیکی قابل مشاهده هستند» (IBM Cloud Education, ۲۰۲۰)، در حالی که دیگران آن را به عنوان «توانایی یک رایانه یا ربات با پشتیبانی رایانه برای پردازش اطلاعات و رسیدن به نتایجی به روشی مشابه فرآیند فکری تعریف کرده اند. انسان ها در یادگیری، تصمیم گیری و حل مشکلات نقش دارند» (UNDP, ۲۰۱۸, p. ۹). با این حال، وقتی به طور کلی در مورد هوش مصنوعی صحبت می کنیم؛ به احتمال زیاد هوش مصنوعی را به معنای محدود آن می دانیم، زیرا در حال حاضر بیشترین کاربرد را دارد، بنابراین برای اهداف تحقیق ما می توانیم تعریف هوش مصنوعی را که در یک زمینه تخصص دارد محدود کنیم که شناخته شده است. به عنوان "برنامه های تک وظیفه ای که برای انجام یک فرآیند از پیش تعریف شده، مانند تشخیص تصویر استفاده می شوند." با تعاریف فراوان هوش مصنوعی، به تقسیم بندی هوش مصنوعی بر اساس چهار هدف اساسی آن متوسل می شویم تا تعاریف را بر اساس این اهداف محدود کنیم. این اهداف بین انواع هوش مصنوعی ساخته شده بر روی سیستم های کامپیوتری مبتنی بر عقلانیت و تفکر در مقابل عمل تمایز قائل شدند و به رویکرد انسانی تقسیم می شوند که به نوبه خود به سیستم هایی که مانند انسان فکر می کنند و سیستم هایی که مانند انسان عمل می کنند و رویکرد ایده آل تقسیم می شود. ، که به سیستم هایی تقسیم می شود که منطقی فکر می کنند و سیستم هایی که منطقی عمل می کنند (IBM Cloud Education, ۲۰۲۰). در اینجا لازم به ذکر است که هوش مصنوعی هر روز و با سرعت بسیار زیادی در حال توسعه است و با وجود این همه پیشرفت فوق العاده در فناوری، برخی فناوری های هوش مصنوعی را در رابطه با جاه طلبی های بشر و تصورات آینده آنها از آنها هنوز ابتدایی می دانند. آیا انتظار می رود که هوش مصنوعی بتواند همان وظایف انسان را در آینده شبیه سازی و انجام دهد؟ شکی نیست که اپلیکیشن های هوش مصنوعی در حال حاضر وظایف خود را با قابلیت های دقیق و بسیار سریعی که فراتر از توانایی های فرد انسان است انجام می دهند، اما همانطور که قبلاً اشاره کردیم، تنها به وظایف تکی محدود می شوند، اما محققان امیدوارند به سیستم های هوش مصنوعی عمومی دست یابند. که شامل برنامه هایی می شود که رفتار هوشمندانه ای را با شبیه سازی درجه بالایی از آگاهی از وظایف

محول شده به آنها نشان می دهد. محققین قول می دهند که دستیابی به این قابلیت ها دهه های زیادی طول خواهد کشید و تبدیل هوش مصنوعی به سیستم هایی که برای کار و رفتار مانند انسان برنامه ریزی شده اند، مانند سیستم هایی که مستلزم حل مشکلات و بهبود عملکرد خود به تنهایی هستند، هنوز راه زیادی دارد. NSTC، ۲۰۱۶، ص ۷).

تأثیر هوش مصنوعی بر حقوق بشر:

از آنجایی که هوش مصنوعی با زندگی افراد مرتبط است، از یک سو به ارائه فرصت های جدید به انسان برای بهبود زندگی افراد کمک می کند و آنها را قادر می سازد تا از استانداردهای بهتری برای زندگی آبرومندانه برخوردار شوند. همانطور که می دانیم، معیار اساسی حمایت از حقوق بشر، امکان برخورداری افراد از کرامت انسانی است. اما از سوی دیگر، هوش مصنوعی چالش ها و مشکلات بسیاری را بر جوامع بشری تحمیل می کند که ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم حقوق و آزادی های اولیه آنها را تهدید کند. ما باید با شناسایی و ارزیابی تاثیر این فرصت ها و چالش ها بر حقوق و آزادی های افراد، این فرصت ها و خطرات را در محدوده رابطه هوش مصنوعی و فرد بشناسیم. اول: از نظر فرصت ها: فرصت هایی که هوش مصنوعی به افراد می دهد بسیار زیاد است و نمی توان آنها را به طور کامل برشمرد. همانطور که قبلاً توضیح دادیم هوش مصنوعی به قدری جزء ضروری زندگی افراد شده است که فراموش کرده ایم که آن کاربردهای متعدد در واقع یکی از مظاهر هوش مصنوعی است. با این حال، ما سعی خواهیم کرد به فرصت های مهم به ویژه فرصت هایی که به طور گسترده بر زندگی افراد تأثیر می گذارند، مانند داده های بزرگ و ربات های بسیار دقیق، اشاره کنیم، زیرا بیشترین تأثیر را بر زندگی و حقوق افراد دارند، به ویژه در زمینه های امنیت و تصمیم گیری، و همچنین سلامت و کار (Osoba & Welser, ۲۰۱۷, p. ۲۲). در مورد تولید کلان داده می توان گفت که اهمیت هوش مصنوعی در تأثیر بسیار زیاد آن بر جوامع دانشی از طریق توانایی آن در تولید حجم عظیمی از داده های جدید، بهبود انتقال اطلاعات و دانش و افزایش تولید آن است. هوش مصنوعی به کاهش هزینه های پردازش اطلاعات کمک می کند و الگوریتم های مدرن موجود را فعال می کند. این هوش مصنوعی با استفاده از تعداد زیادی دستگاه دیجیتال ارزان قیمت بر یادگیری ماشین و داده های بزرگ تکیه می کند تا حجم عظیمی از داده را در چند ثانیه جمع آوری کند. و تجزیه و تحلیل آن برای تولید ایده های دقیق در مورد فرآیندها و رفتارها به گونه ای که نوآوری را تحریک کند تا تغییرات اساسی در بهره وری، رشد، ارزش ارائه شده به مشتریان و رقابت ایجاد کند (UNDP, ۲۰۱۸, □.۴). این به خودی خود یکی از مهم ترین کمک هایی است که هوش مصنوعی با پیشبرد توسعه پایدار با هدف دستیابی به آینده ای بهتر و پایدارتر برای همه به حقوق بشر انجام داده است (Meguenani &

۲. Mokadem, ۲۰۱۹, p. ۲). در مورد ربات‌های بسیار دقیق، بدون شک این مکانیسم‌ها به دستیابی به چیزهایی کمک می‌کنند که انسان با توانایی‌های خود از نظر دقت و سرعت قادر به انجام آنها نیست، استفاده از ربات‌ها در بسیاری از زمینه‌های علمی و عملی، توانایی آنها را در تکمیل به اثبات رسانده است. انجام کارها به روشی بهتر و سریعتر از انسان‌ها به عنوان مثال، جراحی‌های پزشکی که با کمک ربات‌ها انجام می‌شود، محدودیت‌های اعمال جراحی کم‌تهاجمی را که جراحان قبلاً تجربه کرده بودند، از بین می‌برد و همچنین با کاهش درجه انسانی، توانایی جراحان را افزایش می‌دهد. خطا به این دلیل است که این ماشین‌ها احساس خستگی، خستگی یا حواس پرتی در طی مراحل جراحی نمی‌کنند (تای، ۲۰۲۰، ص ۳۴۰). بر این اساس، هوش مصنوعی به کاهش احتمال ارتکاب خطا کمک می‌کند زیرا برنامه‌های هوش مصنوعی نمی‌توانند حواسشان را پرت کنند، که در نتیجه آنها وظایف خود را با دقت بالایی انجام می‌دهند که انسان‌ها نمی‌توانند با آن مطابقت داشته باشند، البته سرعت غیرانسانی عملکرد آنها نیز ذکر نشده است. این ربات‌ها با حمایت از حق افراد برای به دست آوردن بهترین استانداردهای زندگی شایسته، به ویژه موارد مربوط به حق برخورداری از مراقبت‌های بهداشتی، به طور موثری به ارتقای حقوق بشر کمک می‌کنند. علاوه بر این، از آنجایی که کار تکنیک‌های هوش مصنوعی به معنای محدود به انجام تکالیف به طور کلی بستگی دارد. آنها برای انجام مأموریت‌های تکراری، به ویژه مأموریت‌های خطرناکی مانند جستجوی اجسام مشکوک به انفجار یا مأموریت‌های مربوط به اکتشاف فضای بیرونی ساخته می‌شوند. وقتی هوش مصنوعی کارهای تکراری یا خطرناکی را انجام می‌دهد که لزوماً به خلاقیت مداوم نیاز ندارند، نیروی انسانی را برای انجام کارهایی که آمادگی بیشتری برای آن دارند، مانند کارهایی که شامل خلاقیت و همدلی اجتماعی است، آزاد می‌کنیم، همه در خدمت پیشرفت انسان هستند. و حفاظت از حقوق افراد در برابر اشکال مدرن کار اجباری مانند کار ساعتهای طولانی برای انجام کارهای تکراری یا خطرناک، حق استراحت و لذت بردن از خلاقیت را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ تضمین شده است از آنها سلب می‌کند (ماده ۲۷). در مورد فرصت‌هایی که هوش مصنوعی برای تقویت مستقیم سیستم حقوق بشر فراهم می‌کند، این فناوری‌ها می‌توانند ارزش‌های مندرج در مهمترین اسناد حقوقی مرتبط با حقوق بشر مانند منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی بشر را افزایش دهند. حقوق و سایر اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر. به عنوان مثال، برخی معتقدند که هوش مصنوعی توانایی دخالت در رفتار انسان و شاید کنترل آن را دارد و این ممکن است پیامدهای مستقیمی بر کار سازمان ملل در رابطه با رعایت حقوق بشر یا جلوگیری از نقض آنها داشته باشد. این امر مستلزم آن است که اشکال جدیدی از کنترل اجتماعی و بیولوژیکی ایجاد کنیم و چارچوب‌های قانونی و رویه‌ای را که در حال حاضر برای نظارت و اجرای اسناد بین‌المللی مرتبط با حمایت از حقوق بشر، به ویژه منشور بین‌المللی که توسط اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی (Pauwels).

فناوری هوش مصنوعی قابلیت‌های عملکردی جدیدی را توسعه داده است که ممکن است عاملی کلیدی در اجتناب از بحران‌های بین‌المللی باشد که قبلاً غیرقابل تصور بود، زیرا این فناوری‌ها برای بالا بردن سطح عملکرد تلاش‌های ملی و بین‌المللی در همه زمینه‌ها، از حوزه امنیت غذایی، و... پایان دادن به زمینه پیشگیری از درگیری. از آنجایی که اگر از منظر امنیت انسانی به آن‌ها نگاه کنیم تقریباً بی‌نهایت هستند، محدود کردن آن‌ها به چند مثال دشوار است، اما در اینجا می‌توان به عنوان مثال به امکانات تکنیک‌های هوش مصنوعی در رفع مشکل گرسنگی جهانی در چارچوب حوزه امنیت تغذیه. مطالعات امکان حل بسیاری از مشکلاتی را که کشاورزان از آن رنج می‌برند با ادغام تکنیک‌های هوش مصنوعی با سایر تکنیک‌های کشاورزی به منظور مقابله با تغییرات رخ داده در اکوسیستم کشاورزی که به آن کشاورزی دقیق پایدار می‌گویند، مانند توسعه برخی از کاربردهای بیوتکنولوژی مانند توسعه یافته است. به عنوان محرک‌های زیستی و ریز تراشه‌ها تشک‌های کشاورزی زیست تخریب پذیر، که به میزان قابل توجهی به بهره‌وری کشاورزی کمک می‌کنند (Atallah, ۲۰۲۰, p. ۳۷).

مخاطرات حکمرانی هوش مصنوعی:

هوش مصنوعی مانند هر توسعه فناوری دیگری خطرات و تهدیدهای منحصر به فرد و بی سابقه‌ای را برای جامعه بشری به همراه دارد. تاریخ مملو از نوآوری‌های تکنولوژیکی است که به نفع بشریت ایجاد شده‌اند تا فقط به دلایلی به دور از خیر خواهانه استفاده شوند، مانند زمانی که از تکنیک‌های مدرن برای اصلاح بیولوژیکی میکروب‌ها که در اصل برای دلایل پزشکی طراحی شده بودند، استفاده نادرست شد، و در عوض برای استفاده از آنها استفاده شد. اثربخشی عناصر عفونی خود را تا زمانی که به عنوان سلاح بیولوژیکی (ناکامیتسو) مورد استفاده قرار گیرند، افزایش دهند. توسعه سلاح‌های بیولوژیکی یک حمله مستقیم به حقوق بشر است. توسعه تسلیحات بیولوژیکی مطابق با بسیاری از موافقت‌نامه‌های تنظیم‌کننده قواعد حقوق بین‌الملل، به ویژه کنوانسیون منع توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های بیولوژیکی در سال ۱۹۷۲ ممنوع شده است. تهدیدات سایر نوآوری‌های فنی قبلاً سطح بالای انتشار فنی علاوه بر افزودن... دموکراتیک سازی ابزارهای ایجاد و دسترسی به فناوری‌های جدید است، به غیر از تغییرات فنی که به گونه‌ای تسریع می‌یابد که از پیشینه‌های تاریخی به عنوان ترکیبی از نوآوری‌ها تسریع می‌یابد. ایجاد پیشرفت و پیشرفت بیشتر (ناکامیتسو).

برخی بر این باورند که تأثیر منفی هوش مصنوعی بر جامعه انسانی، تحول اجتماعی عظیمی را به وجود خواهد آورد که به تدریج شیوه زندگی ما در جامعه انسانی را مختل خواهد کرد. با پیشرفت تدریجی هوش مصنوعی، نیازی به تلاش انسان نخواهد بود، زیرا تقریباً همه چیز را می‌توان به صورت مکانیکی انجام داد، از این رو، بسیاری از مردم می‌ترسند که انسان تنبل تر شود و در نهایت به مرحله‌ای بدتر شود که به شکل اولیه خود بازگردد. آنها

معتقدند که ارتباطات انسانی به تدریج کاهش می یابد زیرا هوش مصنوعی جایگزین نیاز افراد برای ملاقات چهره به چهره برای تبادل نظر می شود. یعنی هوش مصنوعی ارتباطات انسانی بین افراد را محدود خواهد کرد به طوری که برای برقراری ارتباط نیازی به گردهمایی های شخصی نخواهد بود که این امر باعث مخدوش شدن روابط اجتماعی انسان به شکل فعلی می شود. (Tai, ۲۰۲۰, p. ۳۴۱) از سوی دیگر، با افزایش رسانه های اجتماعی مجازی به جای ارتباطات انسانی، خطرات حمله به حق حریم خصوصی افراد، به ویژه با توجه به اطلاعات حساس، به طور پیوسته افزایش خواهد یافت. (Elmaria, ۲۰۲۱, p. ۸۲۷)

برخی از آنها حتی به ارزیابی خطرات هوش مصنوعی در مواجهه با اقتصاد جهانی می پردازند، مانند خطر جایگزینی نیروی انسانی با ماشین ها - که واقعیتی واقع بینانه است، همانطور که در مورد بسیاری از خطوط صنعتی مونتاژ اتومبیل های ماشینی وجود دارد. و روبات ها - که کارگران سنتی را مجبور می کند شغل خود را از دست بدهند، که باعث یک بحران بیکاری جهانی می شود که ممکن است اقتصاد جهانی را به طور گسترده ای تحت تاثیر قرار دهد. (Osoba & Welser, ۲۰۱۷, p. ۲) این امر باعث ایجاد نابرابری در ثروت می شود زیرا سرمایه گذاران هوش مصنوعی بیشترین سهم سود را دریافت می کنند و شکاف بین افراد غنی و فقیر افزایش می یابد. (Tai, ۲۰۲۰, p. ۳۴۰) افزایش شکاف اقتصادی بین افراد به طور مستقیم و غیرمستقیم باعث نقض گسترده حقوق بشر می شود. مثلاً آسیب پذیری ارتباط تنگاتنگی با فقر دارد. اگر در نظر بگیریم که افراد آسیب پذیر در برابر خطرات نقض حقوق خود آسیب پذیرتر هستند. به محض افزایش فقر، دایره افراد در معرض خطر را گسترش داده و بر این اساس از جنبه های مختلف بر امنیت انسانی تأثیر منفی خواهد گذاشت. اصول راهنمای فقر شدید و حقوق بشر تأکید می کند که هر انسانی از حق برخورداری از غذا و تغذیه کافی، حق مسکن مناسب و سایر جنبه های حقوق بشر برای زندگی و تمامیت جسمانی برخوردار است تا زندگی شرافتمندانه برای افراد تضمین شود. که رکن نظام حقوق بشر است. (OHCHR, ۲۰۱۲a, p. ۱۵)

همچنین در صورت تحقق توسعه یک نوع فوق العاده هوش مصنوعی، با ظهور مشکلات جدید نه تنها در مفهوم اجتماعی، بلکه در خود هوش مصنوعی، ترس از برخی خطرات درک شده در آینده وجود دارد. هوشی که آموزش دیده و آموزش داده می شود که چگونه یک کار خاص را انجام دهد، اگر این هوش به توانایی خود در فراتر رفتن از کنترل انسان پی ببرد، مانند الگوریتم ها - که در اصل طبق مسیر خود کار می کنند - دستوراتی را که برای آنها طراحی شده اند را نادیده بگیرد، مشکلات و پیامدهای غیرمنتظره ای ایجاد خواهد کرد. و به طور خودکار عمل کنند، که ممکن است باعث رفتار خطرناک یا مغرضانه نژادی شود یا خود هدایتی مستقیم به سمت آسیب رساندن به افراد یا چیزهای خاص به طور عمدی یا غیرعمدی باشد. (Tai, ۲۰۲۰, p. ۳۴۰) در اینجا

مشکل الگوریتم‌های خودآموزی ظاهر می‌شود که برای تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ طراحی شده‌اند تا به دسته‌های خاصی از افراد برسند و نه دیگران، مانند اعلام مشاغل خاص برای دسته‌های خاصی از افراد، و حذف دیگران بر اساس جنسیت، رنگ یا مذهب. به عنوان مثال، و همه اینها باعث تداوم تبعیض و نابرابری می‌شود (حسن، ۱۳۹۰، ص ۲۷۸).

بسیاری از مسائل حقوقی مرتبط با هوش مصنوعی پدید آمده است که موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرد، برخی از این موضوعات کاربرد گسترده‌ای دارند در حالی که برخی دیگر چالش‌هایی هستند که موضوعات بسیار خاصی را در طبیعت لمس می‌کنند. بر این اساس، این مشکلات حقوقی به صورت جامع مورد بررسی قرار گرفت، از جمله مشکلات مربوط به شخصیت حقوقی، مالکیت معنوی، حمایت از نیروی کار و کارگر، کلان داده، امنیت سایبری، مسئولیت در قبال خسارات، پاسخگویی و نظارت که با توجه به تخصص مورد بررسی قرار گرفت. به عنوان موضوعاتی که بر موضوعات مرتبط با مراقبت‌های بهداشتی یا دفاعی و امنیتی متمرکز هستند. در مورد مسائل حقوقی محدود مختص کار هوش مصنوعی؛ مطالعات عمیق‌تر برای تحلیل مشکلات مربوط به انعطاف‌پذیری و انصاف در تصمیم‌گیری، تعصب و تبعیض، و مسائل مربوط به حق حفظ حریم خصوصی و حفاظت از داده‌های حساس به آن پرداخته‌اند (رودریگز، ۲۰۲۰، ص ۲).

این مشکلات حقوقی منجر به جرم‌انگاری بسیاری از اعمال مرتبط با هوش مصنوعی شده است، به عنوان مثال، فناوری هوش مصنوعی ممکن است به طور غیرقانونی به قصد آسیب رساندن به منافع افراد، ارگان‌های مختلف و حتی کشورها مورد سوء استفاده قرار گیرد. هوش مصنوعی به توسعه الگوهای و اشکال جدید جرایم الکترونیکی یا به اصطلاح جرایم اطلاعاتی کمک کرده است. جرایم هوش مصنوعی متنوع و متعدد است و هر روز نوع و طبقه‌بندی جدیدی از این جرایم ظاهر می‌شود (دهشان ۱۳۹۹، ص ۱۱۶). می‌توان این جرایم را به مواردی که به یکپارچگی داده‌ها و اطلاعات حمله می‌کنند و اشکال آنها شامل دستکاری در سیستم اطلاعاتی و از بین بردن اطلاعات و جرایم علیه برنامه‌ها و اشکال آنها شامل جرم حمله به برنامه‌های کاربردی یا برنامه‌های رایانه‌ای است، طبقه‌بندی کرد. و جرایم اطلاعاتی علیه مردم، صندوق‌ها، دولت‌ها و دیگران. همه موارد فوق به نوعی بر حقوق و آزادی‌های اولیه افراد تأثیر می‌گذارد که از نقض حقوق افراد برای داشتن یک زندگی آبرومندانه و حق آنها به غذای کافی و دسترسی به آب سالم به دور از فقر شدید شروع می‌شود. حق آنها برای حفظ حریم خصوصی و حق برابری و عدم تبعیض و سوگیری با استفاده از الگوریتم‌ها و پایان دادن به حق افراد برای حفظ سبک زندگی خود. صرف نظر از تعدد مشکلات حقوقی مرتبط با هوش مصنوعی، برخی معتقدند مشکل اصلی این است که پیچیدگی فناوری‌های هوش مصنوعی به این معنی است که نمی‌توان موتورهای را که فناوری‌های هوش

مصنوعی را می‌سازند، وظایف محوله را به طور خاص انجام دهند. نمی‌تواند جزئیات دقیق این فناوری‌ها را رد کند، یعنی از نزدیک با اجزای آن و قطعاتی که در حین کار کنترل می‌کند، آشنا شود (لوفکین، ۲۰۱۷).

همسویی حکمرانی هوش مصنوعی با حقوق بشر

بر اساس آگاهی ما از رابطه هوش مصنوعی و حقوق بشر و ارزیابی ما از مهم‌ترین مشکلاتی که این فناوری برای افراد و حقوق آنها به طور کلی ایجاد می‌کند، ضروری است که سیستم کلی برای اداره کار فناوری هوش مصنوعی و تنظیم توسعه آن در سطوح بین‌المللی و ملی به گونه‌ای که با رعایت قانون سازگار باشد. حقوق بشر بین‌المللی. قوانین بین‌المللی مربوط به حقوق بشر خالی از قواعد کلی نیست که بتوان از آنها برای تنظیم کار فناوری هوش مصنوعی در اشکال مختلف آن با دیدگاهی متمرکز بر احترام به این حقوق و حفظ آنها از نقض استفاده کرد. بر این اساس، در این بخش، امکان حکمرانی بر هوش مصنوعی و تنظیم کار آن از طریق قواعد حقوق بین‌الملل حقوق بشر و تبیین کفایت این قواعد و توانایی آنها برای انطباق لازم برای همگام شدن با توسعه سریع هوش مصنوعی (اولین نیاز). از این رو، ما یک رویکرد قانونی مبتنی بر احترام به حقوق بشر برای اداره و تنظیم فناوری هوش مصنوعی (الزام دوم) پیشنهاد خواهیم کرد. اولین نیاز. حکمرانی هوش مصنوعی از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بین‌الملل حقوق بشر بیانگر سیستمی از قواعد بین‌المللی است که برای حمایت و ارتقای حقوق بشر برای همه طراحی شده است. حقوق و تعهداتی که توسط حقوق بین‌الملل حقوق بشر تنظیم می‌شود، در قالب تعهدات دولت‌ها برای رویارویی با افراد از طریق رفتاری خاص یا خودداری از انجام یک اقدام خاص به منظور ترویج تعریف می‌شوند. احترام به این حقوق و محافظت از آنها در برابر نقض (OHCHR, ۲۰۱۲b, p.۱۰). بسیاری از حقوق اساسی بشر در حقوق بین‌الملل به‌عنوان قواعدی که نمی‌توان آنها را نقض کرد یا محفوظ نگه داشت، در حقوق بین‌الملل تثبیت شده است و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آنها را حتی تا حدی محدود کرد. بر سایر تعهدات بین‌المللی غلبه دارد و این برخلاف ماهیت قواعد حقوقی بین‌المللی است که معمولاً اراده دولت‌ها را برای توافق بر سر آنها ایجاب می‌کند، زیرا حقوق بین‌الملل ماهیت هماهنگی دارد. بسیاری از قوانین دیگر مرتبط با حقوق بشر در تعدادی از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی تدوین شده‌اند که به آنها وضعیت اجباری را در برابر دولت‌ها و شرکت‌های مختلف به طور یکسان داده است، اما دولت‌ها باید به تعهدات اضافی برای حمایت و اجرای حقوق بشر احترام بگذارند و انجام دهند. (OHCHR, ۲۰۱۱a, ص ۳). دولت‌ها باید این قواعد حقوقی را در سطح بین‌المللی و ملی نیز رعایت کنند، زیرا قواعد تنظیم‌کننده حقوق بشر جزء لاینفک قوانین داخلی قابل اجرا در کشورها به طور کلی شده است. در مواردی که قوانین ملی عاری از قواعد حقوقی برای حمایت از حقوق بشر باشد، منشور بین‌المللی حقوق بشر قدرت زیادی برای حمایت

از حقوق بشر حتی در سطح ملی دارد، زیرا نقض حقوق بشر در یک کشور هزینه‌های سیاسی و شهرت منفی در کشور به دنبال دارد. برای دولت‌ها، در حالی که دولت‌ها همواره به دنبال برجسته کردن مشروعیت بین‌المللی خود با رعایت قواعد حقوق بین‌الملل هستند. بر این اساس، ناقضان حقوق بشر اغلب به عنوان ابزاری مؤثر برای بازدارندگی دولت‌ها از زیر پا گذاشتن وظایف خود برای حمایت از حقوق بشر نام برده می‌شوند. در خصوص مسئولیت شرکت‌های تجاری، به‌ویژه شرکت‌های فراملیتی که معمولاً طرف اصلی توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی هستند، طبق اصول سازمان ملل متحد، به‌ویژه اصول راهنمای سازمان ملل در تجارت و حقوق بشر در سال ۲۰۱۱، آمده است. باید از افراد در برابر نقض حقوق بشر محافظت کنند. توسط شرکت‌های تحت صلاحیت خود، شرکت‌ها مسئول احترام به حقوق بشر در هر کجای خود هستند، که مستلزم این است که قربانیان نقض حقوق بشر انجام شده توسط شرکت‌ها را قادر می‌سازند تا از طریق روش‌های قضایی و غیرقضایی جبران خسارت کنند (OHCHR، ۲۰۱۱، p. ۲۸). همانطور که قبلاً اشاره کردیم، فناوری هوش مصنوعی اشکال جدیدی از نقض حقوق بشر و اشکال جدیدی از آزار و شکنجه افراد را به ارمغان آورده است. قربانیان این اقدامات معمولاً افرادی شکننده و به حاشیه رانده شده‌اند که در حال حاضر نیاز مبرمی به حمایت قانونی برای حقوق اولیه خود دارند. نقض و آزار و اذیت سرکوب و به حاشیه راندن این گروه‌ها در داده‌ها منعکس شده و در خروجی‌هایی که این شیوه‌ها را تثبیت می‌کند، بازتولید می‌شود (اندرسن، ۲۰۱۸، ص ۱۸). در اینجا متوجه می‌شویم که اعمال قوانین حقوق بشر در شرایط متغیر، از جمله پیشرفت‌های فناوری، می‌تواند برخی از آسیب‌های اجتماعی ناشی از هوش مصنوعی را برطرف کند و از بروز چنین آسیب‌هایی در آینده جلوگیری کند. با توجه به اینکه ماهیت حقوق بشر جهانی، غیرقابل تفکیک، به هم پیوسته، به هم پیوسته و غیرقابل تقسیم است (OHCHR، ۲۰۱۲، p. ۱۰)، هوش مصنوعی تقریباً بر تمام حقوق بشر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده تأثیر می‌گذارد (Andersen, ۲۰۱۸, p. ۱۸).

بر این اساس، حقوقی که معمولاً در محدوده رابطه بین حقوق بین‌الملل حقوق بشر و هوش مصنوعی مورد توجه قرار می‌گیرند، عمدتاً در اسناد بین‌المللی اساسی مربوط به حمایت از حقوق بشر، به نمایندگی از منشور بین‌المللی حقوق بشر، که عبارتند از: سه سندی که اساس حقوق بین‌الملل حقوق بشر را تشکیل می‌دهند که عبارتند از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶. قواعد حقوقی حقوق بشر مربوط به برخورد با حقوق تخصصی‌تر در اسناد بین‌المللی متعدد، که از اهمیت زیادی مانند منشور سازمان ملل متحد برخوردار است، نیز در چارچوب صحبت‌های ما در مورد صلح و امنیت بین‌المللی، و موافقت‌نامه‌های مختلف مربوط به تنظیم حقوق بشر مربوط به گروه‌های خاص

در خود، مانند زنان و کودکان، یا به گروه‌هایی با ظرفیت خود، مانند پناهندگان و کارگران مهاجر. ما نمی‌توانیم در مورد قواعد حقوقی تنظیم‌کننده حقوق بشر و ارتباط آنها با هوش مصنوعی بدون صحبت در مورد اسناد منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر صحبت کنیم. از مهمترین آنها به کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۱۹۵۰ اشاره می‌کنیم. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ و منشور عربی حقوق بشر ۲۰۰۴. همه اینها اسناد حقوقی بین‌المللی هستند. چالش‌ها. در اینجا لازم به ذکر است که اگرچه قوانین بین‌المللی حقوق بشر در شرایط صلح قابل اجرا است، اما ما نمی‌توانیم توسط به فناوری‌های هوش مصنوعی را در صورت جنگ یا درگیری مسلحانه رد کنیم، بلکه متوجه می‌شویم که خطرناک‌ترین استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی برای جامعه بین‌المللی هوش مصنوعی - مانند توسعه اشکال جدید و خطرناک سلاح‌های مورد استفاده در جنگ سایبری یا توسعه جنگنده‌های رباتیک بسیار قدرتمند یا سلاح‌های خودمختار - عمدتاً بر هوش مصنوعی متکی است. در اینجا، جامعه بین‌المللی باید به مفاد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز توجه کند که با حقوق بین‌الملل حقوق بشر در هدف حفظ کرامت و انسانیت همگان مشترک است (OHCHR, ۲۰۱۱b, p. ۱). روند مدرن این است که قوانین بین‌المللی حقوق بشر را برای اعمال در زمان صلح و درگیری مسلحانه اجباری می‌کند، اما متوجه می‌شویم که برای حفظ ماهیت استثنایی وضعیت درگیری مسلحانه، تفکیک قواعد حقوقی حقوق بشر مهم است. این به هیچ وجه به معنای نفی حقوق بشر به عنوان حقوق ذاتی انسان در زمان درگیری‌های مسلحانه نیست. حقوق بین‌الملل بشردوستانه شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که در صورت درگیری‌های مسلحانه قابل اجرا است، که به نوبه خود به قوانین تنظیم جنگ تقسیم می‌شود که عمدتاً توسط کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹، اصلاح شده در ۱۹۰۷، و قوانین مربوط به جنگ تقسیم می‌شود. حمایت از افراد قربانی درگیری‌های مسلحانه که عمدتاً توسط چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ ارائه شده است. علاوه بر موافقت نامه‌های بین‌المللی مربوط به تنظیم سلاح‌های ممنوعه بین‌المللی و سلاح‌های کشتار جمعی، ما باید به قواعد جنایی بین‌المللی توجه ویژه‌ای داشته باشیم. قانون مربوط به مسئولیت بین‌المللی افراد در صورت ارتکاب جنایات بین‌المللی که بر منافع جامعه بین‌المللی تأثیر می‌گذارد (مکی، ۲۰۱۷، ص ۱۶-۱۹). تمامی اسناد حقوقی بین‌المللی فوق‌الذکر نشان‌دهنده مبانی است که نظام بین‌المللی حمایت از حقوق بشر در زمان صلح و جنگ بر آن استوار است و سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این قواعد و مبانی کلی تا چه حد برای حمایت از حقوق بشر کافی است. افراد از خطرات هوش مصنوعی؟ با توجه به صحبت‌های ما در مورد اشکال جدید نقض حقوق بشر؛ این قواعد حقوقی باید متناسب با توسعه سریع جوامع بشری باشد. در زمین، این قوانین معمولاً به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که با الزامات دولت‌ها سازگار باشد. به این معنا که گاهی اوقات ممکن است گسترده و مبهم باشد با این هدف که به دولت‌ها اجازه دهد آن را برای مصارف ملی خود و منافع دولت‌های خارجی اصلاح کنند. برای تضمین یک زندگی

مناسب برای افراد، خطوط کلی را برای حمایت از حقوق اولیه ترسیم می کند، و این به آن، از جنبه مثبت، توانایی توسعه، و از جنبه منفی، به دولت ها این توانایی را می دهد که آن را بر اساس خود تفسیر و به کار ببرند. منافع. بنابراین، بسیار مهم است که خود را به قواعد کلی و مبانی حقوقی ارائه شده توسط این متون حقوقی بین المللی محدود نکنیم، بلکه باید تلاش کنیم تا قوانین حقوقی با ماهیت بین المللی را اتخاذ کنیم که کار و توسعه فناوری های هوش مصنوعی را تنظیم می کند. موضوعی که منافع مشترک کل جامعه بین المللی را تحت تأثیر قرار می دهد. این همان چیزی است که جامعه بین المللی را از طریق سازمان ملل متحد بر آن داشت تا یک نهاد مشخص برای کار روی موضوع هوش مصنوعی و رباتیک ایجاد کند. سازمان های مرتبط با توسعه و نظارت بر رعایت قوانین بین المللی حقوق بشر در سطح بین المللی به مسائل مربوط به تنظیم کار فناوری های هوش مصنوعی از منظر استراتژیک و سازمانی توجه داشتند و این سازمان ها از تهدیدات بالقوه و بالقوه آگاه بودند. هوش مصنوعی به جامعه انسانی ما (مپینگا و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۲۳۵). در سال ۲۰۱۷، سازمان ملل متحد مرکز هوش مصنوعی و رباتیک را به عنوان بخشی از مؤسسه تحقیقات بین منطقه ای جنایت و عدالت سازمان ملل افتتاح کرد (UNICRI، ۲۰۲۰، صفحه ۱). با افتتاح این مرکز، سازمان ملل متحد هشدار داد که هوش مصنوعی و رباتیک فناوری ها می توانند با جنگ و بیکاری جهان را بی ثبات کنند و این همان چیزی است که قبلاً در مورد اهمیت تمرکز بر ایده امنیت انسانی از نظر تضمین صلح بین المللی و توسعه انسانی برای جلوگیری از گسترش فقر به عنوان مهمترین خطر توضیح دادیم. انتظار می رود که ناشی از فناوری های هوش مصنوعی باشد که عموماً بر حقوق بشر تأثیر می گذارد.

مقامات ملی و منطقه ای و نهادهای بین المللی، علاوه بر بسیاری از مؤسسات غیردولتی در سراسر جهان، شروع به اتخاذ استراتژی ها، برنامه های عملیاتی و اسناد خط مشی با هدف استفاده از پتانسیل هوش مصنوعی و تعریف استراتژی های صنعتی و تحقیقاتی و روش های جمع آوری داده ها کرده اند. علاوه بر چارچوب بندی زیرساخت ها و اخلاقیات برای حکمرانی و تنظیم هوش مصنوعی. در سال ۲۰۱۷، اولین اجلاس بین المللی به دعوت اتحادیه بین المللی مخابرات، یکی از آژانس های تخصصی سازمان ملل متحد، آغاز گفتگوی جهانی همه جانبه درباره هوش مصنوعی مفید در شهر ژنو سوئیس بود. در سال ۲۰۱۸ بسیاری از آژانس های سازمان ملل متحد در یک اجلاس بین المللی بسیار مهم با هدف ایجاد بستری برای تبادل بین سازمان ملل متحد و شاخه های مختلف آن در خصوص استراتژی هوش مصنوعی آینده گرد هم آمدند. این استراتژی های مرتبط با هوش مصنوعی بر مشارکت استراتژیک بین پروژه ها متمرکز بود. حمایت از تسریع پیشرفت در راستای اهداف توسعه پایدار کشورها، علاوه بر این، هدف اولیه این اجلاس بین المللی کمک به تدوین استراتژی های جهانی برای تضمین توسعه قابل اعتماد،

ایمن و همه جانبه فناوری های هوش مصنوعی و دسترسی عادلانه به مزایای هوش مصنوعی به شیوه ای منطبق با سیستم حقوق بشر (ITU، ۲۰۱۸، ص ۷). از سال ۲۰۱۸، چندین سند بین المللی و منطقه ای خارج از محدوده سازمان ملل برای تنظیم جنبه های مختلف هوش مصنوعی به تصویب رسیده است. در سطح بین المللی، عفو بین الملل اعلامیه تورنتو را برای حمایت از حق برابری و عدم تبعیض در سیستم های یادگیری ماشینی برای سال ۲۰۱۸ به تصویب رساند. اهمیت شمول، تنوع و برابری را به عنوان مؤلفه ها مشخص می کند. برای اطمینان از اینکه سیستم های یادگیری ماشینی اشکالی از تبعیض علیه گروه های خاص، به ویژه علیه گروه های به حاشیه رانده شده ایجاد نمی کنند، ضروری است (عفو بین الملل). در سطح منطقه ای، شورای اروپا بسیاری از این اسناد حقوقی مربوط به تنظیم کار هوش مصنوعی را به تصویب رسانده است که مهمترین آنها منشور اخلاقی اروپا در مورد استفاده از هوش مصنوعی در سیستم های قضایی و محیط آنها است. تصویب شده توسط کارگروه کیفیت عدالت شورای اروپا در سال ۲۰۱۸ (رجوع کنید به الخالدی، ۲۰۲۱)، علاوه بر دستورالعمل ها و اصول بسیاری که توسط اتحادیه اروپا تصویب شد، و در سال ۲۰۲۱، به دلیل کثرت گرایي این دستورالعمل ها و اصول، یک پیشنهاد نظارتی توسط پارلمان اروپا و شورای اروپا برای هماهنگ کردن قوانین مربوط به هوش مصنوعی و اصلاح برخی از قوانین قانونی مربوطه اتحادیه اروپا ارائه شد. در مورد سطح داخلی کشورها، از زمان تأسیس مرکز هوش مصنوعی و رباتیک در سازمان ملل متحد، تعدادی از کشورها تمایل به اتخاذ سیاست ها و برنامه های استراتژیک خود در سطح داخلی برای تنظیم توسعه هوش مصنوعی داشته اند. با اشاره به جدول زمانی اسناد راهبردی برای حکمرانی و تنظیم هوش مصنوعی، متوجه می شویم که برخی از کشورها مانند کانادا و فنلاند استراتژی های ملی خود را برای هوش مصنوعی در اوایل سال ۲۰۱۷ تدوین کرده اند و به دنبال آن ژاپن، فرانسه، آلمان و بریتانیا در سال ۲۰۱۸، و سپس استراتژی ملی هوش مصنوعی توسط کشورهای دیگر مانند برزیل، مجارستان، لهستان و اسپانیا اتخاذ شد (گالیندو و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۶). در مورد کشورهای عربی، بر اساس شاخص آمادگی حکمرانی هوش مصنوعی در سال ۲۰۲۱، آنها یکی از متنوع ترین گروه ها در جهان از نظر درجه آمادگی برای حکمرانی هوش مصنوعی هستند. در واقع، سطوح آمادگی از پایین ترین سطوح در سطح جهانی تا بالاترین سطوح آمادگی متفاوت است (Oxford Insights, ۲۰۲۲, p. ۳۸). این امر به این دلیل است که برخی از این کشورها جزو اولین کشورهایی هستند که راهبردهای ملی را برای مدیریت هوش مصنوعی در سطح بین المللی اتخاذ کردند. پادشاهی عربستان سعودی و امارات متحده عربی جزو اولین کشورهای عربی بودند که ملی را اتخاذ کردند. استراتژی های هوش مصنوعی از سال ۲۰۱۷، به دنبال آن مصر و تونس در سال ۲۰۱۸. سپس قطر در سال ۲۰۱۹ (UNESCWA, ۲۰۲۰, p. ۴). خاطر نشان می شود که کشورهای اتحادیه خلیج فارس به طور فزاینده ای به حوزه حکمرانی هوش مصنوعی و افزایش آمادگی حکمرانی این کشورها علاقه مند هستند (Oxford Insights,

۳۹, p. ۲۰۲۲). کشورهای عربی در حال حاضر به سمت ایجاد یک استراتژی مشترک منطقه ای برای حکمرانی هوش مصنوعی در منطقه حرکت می کنند (یونسکو، ۲۰۲۱).

رویکرد مبتنی بر حقوق بشر حکمرانی هوش مصنوعی:

اگرچه می توان در نظر گرفت که شروع رسمی علاقه بین المللی به حکمرانی هوش مصنوعی به سال ۲۰۱۵ برمی گردد، زمانی که سازمان ملل متحد مرکز هوش مصنوعی و رباتیک را در یک مرکز ایجاد کرد. در آژانس هایش، کنترل هایی که توسعه هوش مصنوعی، به ویژه ربات ها را تنظیم می کنند، به دهه ۱۹۴۰ برمی گردد، زمانی که چهار قانون برای تنظیم کار روبات ها از نظر کنترل های اخلاقی استخراج شد که شامل اصول زیر است: قانون اول: ربات ممکن است به انسان آسیبی نرساند یا به دلیل سهل انگاری به انسان اجازه آسیب رساندن به انسان دیگر را بدهد. قانون دوم: یک ربات باید از دستوراتی که توسط انسان به او داده می شود اطاعت کند مگر در مواردی که این دستورات با قانون اول در تضاد باشد. قانون سوم این است که یک ربات باید از وجود خود محافظت کند، تا زمانی که این محافظت با قانون اول و دوم در تضاد نباشد. بعداً، یک "قانون صفر" برای جایگزینی همه قوانین قبلی اضافه شد، که بیان می کند که یک ربات موظف است به بشریت آسیب نرساند، یا از طریق سهل انگاری، به انسان اجازه ایجاد آسیب برساند (ناراین و همکاران، ۲۰۱۹). این کنترل های اخلاقی ابتدایی تا حدی ساختار اساسی رویکرد حقوقی به اداره کار هوش مصنوعی و رباتیک را تشکیل می دهند. با توسعه سریع فناوری های هوش مصنوعی در این دهه، نیاز به حکمرانی بر توسعه کار این فناوری ها در سطح بین المللی آغاز شد. در سال ۲۰۱۹، تیم بین المللی از کارشناسان سطح بالا به دعوت اتحادیه اروپا، اولین برنامه اقدام هماهنگ را برای تقویت حکمرانی هوش مصنوعی قابل اعتماد از طریق مجموعه ای از اصول منتشر کرد. دستورالعمل های اخلاقی، سیاست های سرمایه گذاری و توصیه ها (مپینگا و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۲۳۵-۲۳۶). رهنمودهای اخلاقی پیشنهادی بر توسعه، اشاعه و استفاده از سیستم های هوش مصنوعی مطابق با قوانین کلی زیر متمرکز بوده است: اول: احترام به استقلال انسان و جلوگیری از هرگونه تجاوز به حقوق او: یعنی در اینجا در مورد لزوم رعایت حقوق بشر صحبت می کنیم. به ویژه رعایت حق انصاف وی و لزوم فراهم آوردن امکان تفسیر و کسب اطلاعات مربوط به آن با استفاده از این فناوری ها که به عنوان یکی از مهم ترین خطرات هوش مصنوعی صحبت کردیم (European Commission, ۲۰۱۹, p. ۱۳). این همان چیزی است که در اجلاس اوزاکا ۲۰۱۹ از طریق پنج اصل مکمل مبتنی بر ارزش های انسانی و اخلاق برای نظارت مسئولانه بر هوش مصنوعی مورد تاکید قرار گرفت. در این اجلاس از بازیگران هوش مصنوعی خواست تا این ارزش ها را در چارچوب کار خود ترویج و اجرا کنند. این اصول با تاکید بر لزوم توجه به رشد و توسعه همه جانبه خلاصه می شود، پایداری و رفاه انسان ها در هر مرحله از

توسعه و بهره برداری فناوری های هوش مصنوعی و توسعه فناوری های هوش مصنوعی باید در راهی که با ارزش های انسان محور، عدالت و حق افراد برای انصاف سازگار باشد (OECD, ۲۰۲۲, p. ۷). اجلاس اوزاکا بر اهمیت شفافیت و تفسیرپذیری برای طرف های ذینفع مختلف تمرکز کرد تا آنها را قادر سازد تا کار این فناوری ها را برای تضمین حقوق افراد پیگیری کنند. طبیعی بود که دوباره بر اصل سنتی استحکام، امنیت و ایمنی و رعایت قوانین اساسی و سنتی برای توسعه فناوری های هوش مصنوعی ایمن برای حفظ ایمنی بشریت در نهایت اصل مسئولیت پذیری مطرح می شود که بدون آن نمی توان هر گونه پیشرفت تکنولوژیکی را به نفع بشریت تصور کرد که مستقیماً با این اصل مرتبط است. شفافیت (OECD, ۲۰۲۲, ص ۳). همانطور که می بینیم این پنج اصل مکمل به هم پیوسته و درهم تنیده هستند، به این معنی که دستیابی به یکی از آنها بدون رعایت اصول دیگر امکان پذیر نیست و بر این اساس، اهمیت شناخت مشکلات احتمالی در هنگام به کارگیری این اصول و ضرورت یافتن راه حل های منطقی می باشد. به آنها تاکید شد. دوم: توجه ویژه به موارد مرتبط با آسیب پذیرترین گروه ها و گروه های شکننده: در اینجا ما حمایت هایی را برای افراد در معرض خطر، مانند کودکان، افراد دارای معلولیت و سایر گروه هایی که در حاشیه هستند یا در معرض خطر طرد و تبعیض قرار دارند، اختصاص دادیم. همچنین در مورد مواردی که طرفین رابطه حقوقی دارای موقعیت هایی با قدرت متفاوت هستند، چه از نظر قدرت یا دسترسی به اطلاعات، مانند رابطه بین کارفرمایان و کارگران یا بین شرکت ها و مصرف کنندگان (کمیسیون اروپا، ۲۰۱۹، ص ۱۱). یعنی چنین حکومتی باید انسان محور باشد و با تقلید از استدلال انسانی و توانمندسازی قابلیت های پردازش داده ماشین ها برای درک همدلی انسانی، به دنبال افزایش رفاه انسان ها باشد نه جایگزینی آنها (UNICRI, ۲۰۲۰, ¶۴). این بدان معنی است که باید اقدامات مناسب برای کاهش خطرات اتخاذ شود. مهم است که اقدامات و اقدامات روشنی را انجام دهیم به گونه ای که متناسب با بزرگی خطرات باشد، به ویژه آنهایی که ممکن است پیش بینی، کمیت یا اندازه گیری برای مثال اثرات دشوار باشد. در مورد دموکراسی، حکمرانی قانون و عدالت توزیعی، یا منفی بودن بر ذهن انسان (Mpinda et al., ۲۰۲۲, p. ۲۳۶). علاوه بر این اصول اولویت دار، مرکز هوش مصنوعی سازمان ملل بر نیاز به طراحی استراتژی هایی برای پرداختن به برخی دیدگاه های مقطعی برای یکپارچه سازی ارزش های اخلاقی تأکید کرده است که باید در رویکرد حکمرانی مبتنی بر احترام به حقوق بشر در نظر گرفته شود. که باید طراحی و استفاده از این فناوری ها را هدایت کند، تعدادی از آنها به عنوان مستحق تمرکز و با اولویت بالا شناسایی شده اند و از جمله این حوزه ها می توان به: جنسیت، شکاف دیجیتال، فرهنگ عمومی، اعتماد عمومی اشاره کرد. و پذیرش اجتماعی (UNICRI, ۲۰۲۰، ص ۳).

بر این اساس، مرکز اصول ذکر شده و الزامات مرتبط با آن را برای ترسیم رویکرد حکمرانی برای استفاده از هوش مصنوعی، رباتیک و فناوری‌های مرتبط ضروری رتبه‌بندی کرده است. در رأس این هرم، احترام به هنجارهای حقوقی شناخته شده بین المللی حقوق بشر و حکمرانی قانون، و اصل دموکراسی است که به عنوان چارچوب اصلی برای طراحی و استفاده از این فناوری ها عمل می کند. به این معنا که هر سیستم توسعه یافته باید با حداقل احترام به این قوانین اساسی، به ویژه با توجه به لزوم احترام به قاعده عدم ایجاد آسیب، مطابقت داشته باشد (UNICRI، ۲۰۲۰، ص ۴). این مرکز در چارچوب صحبت‌های خود در مورد روش‌شناسی اتخاذ سازمان و استراتژی توسعه حکمرانی هوش مصنوعی، بر ضرورت دستیابی به این اصول و ارزش‌ها در کل چرخه حیات سیستم، با اعمال ضمانت‌های فنی تأکید کرد. القای اعتماد عمومی در استفاده از این فناوری ها در سیستمی که با عدالت و به شیوه ای منصفانه مشخص می شود، اهمیت زیادی دارد. انتخاب عدالت کیفری. از جمله مهم ترین ضمانت‌های عدالت کیفری که بر آنها تمرکز شده است عبارتند از: نیاز به رعایت انصاف و اطمینان از عدم تبعیض، علاوه بر پاسخگویی، شفافیت و توضیح پذیری در همه زمان ها. با توجه به این واقعیت که کلان داده سوختی است که تمام سیستم های هوش مصنوعی را به حرکت در می آورد، اصول سازمان ملل متحد در مورد حفاظت از داده های شخصی و حریم خصوصی که در اسناد بین المللی مختلف مربوط به حمایت از حقوق بشر تصریح شده است، مکمل این ارزش ها و الزامات است و به یک چارچوب اساسی برای پردازش تمام داده های شخصی. این تضمین ها شامل نیاز به تأکید بر اصول پردازش عادلانه و مشروع داده ها می شود. اصل تناسب با هدف و ضرورت جمع آوری و پردازش این داده‌های عظیم، علاوه بر تأکید بر لزوم اطمینان از محرمانه بودن برخوردار، تبدیل، انتقال و ذخیره‌سازی این داده‌ها به گونه‌ای که ایمنی این داده‌ها و اطلاعات را تضمین کند. از نقض یا سوء استفاده (UNICRI، ۲۰۲۰، ص ۴).

نتیجه گیری:

هوش مصنوعی شکل جدید تمدن بشری است، اگر در نظر داشته باشیم که رویکرد رسمی توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی جایگزینی هوش انسانی نیست، بلکه هدف آن مهار علم و طبیعت برای خدمت به جامعه بشری است، باید اطمینان حاصل کنیم که آن از طریق رویکردی انسانی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و احترام به حقوق بشر توسعه می‌یابد. اخیراً در مورد فناوری‌های هوش مصنوعی با تمام ابعاد مثبت و منفی که این فناوری‌های فناورانه به همراه دارند و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر حقوق و آزادی‌های اساسی افراد دارد، صحبت شده است. بر این اساس، ما در اینجا با مشکلات حقوقی انکارناپذیری در رابطه با تأثیر دوگانه این فناوری‌ها، اعم از منفعت یا ضرر بر حقوق افراد مواجه هستیم و این همان چیزی است که ما را ملزم به بررسی دقیق این مشکلات حقوقی

و کار بر روی راهبردها و سیاست‌های حکمرانی می‌کند. هوش مصنوعی به گونه‌ای که برای حفاظت از کل جامعه بشری مناسب باشد. شکی نیست که فناوری‌های هوش مصنوعی آینده بشریت را نشان می‌دهد و کار آنها باید به گونه‌ای تنظیم و توسعه یابد که هم با منافع کشورها و شرکت‌های مرتبط با توسعه این فناوری‌ها و هم با حقوق افراد سازگار باشد. در چارچوب این پژوهش، مهم‌ترین فرصت‌ها و خطراتی را که هوش مصنوعی برای حقوق بشر ایجاد می‌کند، مورد ارزیابی قرار دادیم و سپس تحلیل خود را به روشن‌سازی رابطه قواعد حقوق بین‌الملل حقوق بشر با حکمرانی توسعه اثر هدایت کردیم. از این فناوری‌ها بر اساس موارد فوق، با تأکید بر اهمیت توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی از طریق رویکردی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی مستحکم و اصول احترام به حقوق بشر، نتیجه‌گیری کردیم. به این معنا که در رویکرد خود پیشنهاد می‌کنیم که نه تنها با تکیه بر قواعد حقوق بین‌الملل حقوق بشر، کار فناوری‌های هوش مصنوعی را اداره و تنظیم کنیم. بلکه با تکیه بر اصول اساسی حقوق بشر که باید در هر یک از نظام‌های ملی و بین‌المللی حاکم بر کار و توسعه هوش مصنوعی وجود داشته باشد که باید در چارچوب راهبردها و سیاست‌های ملی حکمرانی هوش مصنوعی گنجانده شود. با برون‌یابی مهم‌ترین سیاست‌ها و راهبردهای اتخاذ شده توسط کشورهای مرتبط با توسعه هوش مصنوعی، علاوه بر اسناد سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های منطقه‌ای مرتبط با حمایت از حقوق بشر، ذینفعان ملی در کشورهای مختلف می‌توانند به رویکرد حقوقی دست یابند. به حکمرانی هوش مصنوعی که با حمایت از حقوق بشر در همه سطوح سازگار است. جامعه بین‌المللی حتی ممکن است به یکپارچه‌سازی اصول کلی یا اتخاذ دستورالعمل‌هایی برای تنظیم کار تکنیک‌های هوش مصنوعی متوسل شود، در صورتی که جامعه بین‌المللی قادر به اتخاذ یک قانون نباشد. موافقتنامه بین‌المللی در این زمینه زیر چتر سازمان ملل متحد یا یکی از سازمان‌های بین‌دولتی مرتبط با موضوع. نه تنها دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید در تدوین این دستورالعمل‌ها مشارکت داشته باشند، بلکه کمیته‌های فنی نیز باید از دانشمندان و کارشناسان مستقل، محافل دانشگاهی، مؤسسات خصوصی متخصص در حفظ حریم خصوصی داده‌ها و بازرگانان شرکت‌های علاقه‌مند به حوزه هوش مصنوعی تشکیل و سازماندهی شوند. در تمام کاربردها و زمینه‌های آن. شکی نیست که دانشمندان، مهندسان و تجار در بحث درباره تهدیدات نوظهور در حوزه تخصصی خود از اختیارات منحصر به فردی برخوردارند و بسیاری از متخصصان شروع به بلند کردن صدای خود در برابر خطرات احتمالی ناشی از هوش مصنوعی، به ویژه در مورد تسلیحات و تولید تسلیحات هوشمند یعنی تولیدکنندگان و مبتکران باید به نوبه خود تمرکز خود را بر پیامدهای اجتماعی و امنیتی کار خود تقویت کنند و ما را قادر به حمایت از مخترعان و سیاست‌گذاران برای کمک به ایجاد یک سیستم امن تر و ایمن تر کنند. جامعه بشری برای همه با همکاری با یکدیگر برای رسیدگی به حکمرانی تحولات تکنولوژیکی که بر صلح و امنیت بین‌المللی تأثیر می‌گذارد.

- Abdel Razek, R. (۲۰۲۱). The Effect of Artificial Intelligence on Electronic Crime. *The Scientific Journal of King Faisal University*. Humanities and Management Sciences, ۲۲(۱), ۴۳۰-۴۳۷.
- Al-Khalidi, E. (۲۰۲۱). Governance of the use of artificial intelligence in judicial work: a legal reading of the European Ethical Charter on the Use of Artificial Intelligence (AI) in Judicial Systems and Their Environment (CEPEJ). *Journal of Sharia Research and Studies: Abdel Fattah Mahmoud Idris*, ۱۰ (۱۱۶), ۱۵۵-۱۸۳.
- Almaria, A. (۲۰۲۱). Legal and Legitimate Confrontation of Privacy Violation in Social Media. *Journal of legal and social studies*, ۶(۳), ۸۲۵-۸۵۰.
- Atallal, A. (۲۰۲۰). *The Effect of Artificial Intelligence Economics on economic growth*. [Master's Thesis, Al-Azhar University]. Gaza.
- Dahiyat, E. (۲۰۱۹). Towards Legal Recognition of Artificial Intelligence in Our Lives: The Problematic Relationship between Human and Machine. *Al-Ijtihad Journal of Legal and Economic Studies*, ۸(۵), ۱۴-۳۵.
- Dahshan, Y. (۲۰۲۰). Criminal Responsibility for Artificial Intelligence Crimes. *Sharia and Law Journal*, ۳۴(۸۲), ۱۰۰-۱۴۳.
- Hassan, H. (۲۰۲۱). Human Rights in the Era of Artificial Intelligence: Figures, Opinions, and Solutions. *Journal Sharia and Law*, ۸۵(۵), ۲۵۹-۳۳۲.
- Makki, O. (۲۰۱۷). *International Humanitarian Law in Modern Armed Conflicts*. Geneva: ICRC.
- Meguenani, S., and Mokadem, C. (۲۰۱۹). The Role of Big Data in Supporting Sustainable Development in The Arab Countries. *Journal of Information Studies and Technology*, ۱(۴).
- Mujahid, M. (۲۰۲۱). Civil Responsibility for Robots with Artificial Intelligence: A Comparative Study. *Cairo University Legal Journal*, ۹(۲), ۲۸۳-۳۹۲.
- Saeed, M. (۲۰۲۱). The Role of Intellectual Property Rules in Facing the Challenges of Artificial Intelligence: A Comparative Analytical Legal Study. *Journal of Legal and Economic Research: Mansoura University*, ۷۵, ۱۶۲۸ - ۱۷۴۲.
- Amnesty International. *The Toronto Declaration: Protecting the right to equality and non-discrimination in machine learning systems*. <https://www.torontodeclaration.org/declaration-text/english/>.
- Andersen, L. (۲۰۱۸). *Human Rights in the Age of Artificial Intelligence*. <https://www.accessnow.org/cms/assets/uploads/۲۰۱۸/۱۱/AI-and-Human-Rights.pdf>.
- European Commission. (۲۰۱۹). *Ethics Guidelines For Trustworthy AI*. Brussels:

- Publications Office. <https://data.europa.eu/doi/10.2759/54071>.
- Galindo, L., Perset K., and Sheeka F. (۲۰۲۱). An Overview of National AI Strategies and Policies. *Going Digital Toolkit Note*, No. ۱۴. https://goingdigital.oecd.org/data/toolkitnotes/No14_ToolkitNote_AIstrategies.pdf.
- IBM Cloud Education (۲۰۲۰). *Artificial Intelligence*. <https://www.ibm.com/sa-ar/cloud/learn/what-is-artificial-intelligence>.
- International Telecommunication Union (ITU). (۲۰۱۸). *United Nations Activities on Artificial Intelligence (AI)*. Geneva: ITU. https://www.itu.int/dms_pub/itu-s/opb/gen/S-GEN-UNACT-2018-1-PDF-E.pdf.
- Lufkin, B. (۲۰۱۷). *Why the Biggest Challenge Facing AI is an Ethical One?* <https://www.bbc.com/future/article/20170307-the-ethical-challenge-facing-artificial-intelligence>.
- Mpinga, E., Bukonda N., Qailouli S., and Chastonay P. (۲۰۲۲). Artificial Intelligence and Human Rights: Are There Signs of an Emerging Discipline? A Systematic Review. *Journal of Multidisciplinary Healthcare*, ۱۵, ۲۳۵-۲۴۶. <https://doi.org/10.2147/JMDH.S310314>
- Nakamitsu I., *Responsible Innovation for a New Era in Science and Technology*. <https://www.un.org/ar/44899>.
- Narain, K., Swami, A., Srivastava, A., and Swami, S. (۲۰۱۹). Evolution and control of artificial superintelligence (ASI): a management perspective. *Journal of Advances in Management Research*, ۱۶(۵), ۶۹۸-۷۱۴. <https://doi.org/10.1108/JAMR-01-2019-0006>
- National Science and Technology Council (NSTC). (۲۰۱۶). *Preparing for the Future of Artificial Intelligence*. https://obamawhitehouse.archives.gov/sites/default/files/whitehouse_files/microsites/ostp/NSTC/preparing_for_the_future_of_ai.pdf.
- OECD (۲۰۲۲). *Recommendation of the Council on Artificial Intelligence*, OECD/LEGAL/۰۴۴۹. <https://legalinstruments.oecd.org/api/print?id=648&lang=en>.
- OHCHR (۲۰۱۱a). *Guiding Principles on Business and Human Rights*. HR/PUB/۱۱/۰۴. New York; Geneva: UN.
- OHCHR (۲۰۱۱b). *International Legal Protection of Human Rights in Armed Conflict*, HR/PUB/۱۱/۱. New York; Geneva: UN.
- OHCHR (۲۰۱۲a). *Guiding Principles on Extreme Poverty and Human Rights*, A/HRC/۲۱/۳۹. New York; Geneva: UN.
- OHCHR (۲۰۱۲b). *Human Rights Indicators a Guide to Measurement and Implementation*, HR/PUB/۱۲/۵. New York; Geneva: UN.

Osoha, O.A. and W. Welser IV. (۲۰۱۷). *The Risks of Artificial Intelligence to Security and the Future of Work*. Santa Monica, CA: RAND Corporation. <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE۲۳۷.html>.

Oxford Insights (۲۰۲۲). *Government AI Readiness Index 2021*. Ottawa: IDRC.

Pauwels, E. (۲۰۱۸). *How Can Multilateralism Survive the Era of Artificial Intelligence?* Available at: <https://www.un.org/ar/۵۸۵۹۷>.

Rodrigues, R. (۲۰۲۰). Legal and human rights issues of AI: Gaps, challenges, and vulnerabilities. *Journal of Responsible Technology*, Vol. ۴, <https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.jrt.۲۰۲۰.۱۰۰۰۰۵>.

Tai, M.C. (۲۰۲۰). The Impact of Artificial Intelligence on Human Society and Bioethics. *Tzu Chi Medical Journal*, ۳۲(۴), ۳۳۹-۳۴۳. http://doi:۱۰.۴۱۰۳/tcmj.tcmj_۷۱_۲۰

UNDP and Mohammed bin Rashid Al Maktoum Knowledge Foundation (MBRF). (۲۰۱۸). *The Future of Knowledge: A Foresight Report 2018*. Dubai; UAE: Al Ghurair Printing and Publishing.

UNESCO (۲۰۲۱). *Towards a Common Artificial Intelligence Strategy for Arab States: Digital Inclusion Week 2021*. <https://en.unesco.org/news/towards-common-artificial-intelligence-strategy-arab-states-digital-inclusion-week-۲۰۲۱>.

UNESCWA (۲۰۲۰). *Developing an Artificial Intelligence Strategy National Guide*. Beirut: United Nations.

UNICRI (۲۰۲۰). *Strategic Plan 2020-2025*. https://unicri.it/sites/default/files/۲۰۲۰-۰۷/UNICRI_AI_CentreStrategicPlan.pdf.



مزدک نصوری

عدالت ترمیمی؛

پیش‌بینی جایگاه پلیس اداری برای ناظران مردمی

کارشناسی ارشد حقوق عمومی
پژوهشگر اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور

چکیده:

عدالت ترمیمی یکی از مباحث نوظهور در حقوق کیفری می‌باشد که به دنبال برقراری تعادل و توازن در جامعه‌ای است که به دلیل وقوع جرم، آسیب دیده است. در این پارادایم، سیستم عدالت گستره به دنبال آن است که خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده (جامعه یا مردم)، بزه‌کار (مجرم یا متخلف) و اداره (حکومت یا نهادهای عمومی) را به نحوی فعالانه جبران کند که مستلزم تأکید بر روش‌های پیش‌گیرانه و ترمیم‌کننده می‌باشد. این مقاله درصدد آن است که نشان دهد عدالت ترمیمی به حوزه حقوق اداری نیز قابل تعمیم است و جبران خسارات ناشی از ارتکاب جرایم و تخلفات اداری را نباید صرفاً از منظر سیاست کیفری مورد بحث قرار داد. در نهایت، نتیجه‌گیری می‌شود که عدالت ترمیمی در حقوق اداری ایران قابل اعمال است و می‌تواند جایگاه رفیعی را در نظام حقوقی ایران به خود اختصاص دهد و اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد (کنشگران مردمی) می‌توانند نقش مهمی را در آن ایفا کنند.

واژگان کلیدی: پلیس اداری، حقوق اداری، حقوق کیفری، عدالت ترمیمی، ناظران مردمی.

عدالت ترمیمی به‌عنوان پارادایم حاکم بر مباحث دادگستری، مفهومی کهن‌بنیاد و نوظهور است که مبتنی بر الگوهای پیش‌گیری و جبران می‌باشد (عباسی، ۱۳۸۲). عدالت ترمیمی پاسخی کنشگرانه به بزه (جرم یا تخلف) است که بر ترمیم و جبران خسارت‌های بزه دیده (جامعه و آحاد مردم) تأکید و تمرکز دارد. همچنین این روش، بزهدکار (معجرم یا متخلف) را نسبت به خساراتی که به وجود آورده مسئولیت‌پذیر نموده و آشتی و وفاق را در میان گروه‌های مختلف به وجود می‌آورد. در واقع، عدالت ترمیمی اقدامی است که قبل از هر چیز به دنبال اعمال عدالت از طریق جبران و ترمیم خسارت و صدماتی است که از ارتکاب جرم یا تخلف به وجود آمده است (غلامی، ۱۳۸۲). برخی از حقوق‌دانان معتقدند از زمانی که حقوق کیفری واجد صبغه و جنبه‌های اجتماعی شده است، صلابت سزاهدنگی و قدرت بازدارندگی مجازات‌ها تضعیف شده است (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۳).

طرفداران عدالت کیفری کماکان بر استفاده از پیگیری و کیفر اصرار می‌ورزند، اما طرفداران عدالت ترمیمی به دنبال پیشگیری و جبران آسیب‌ها هستند (شیری، ۱۳۸۵). عدالت ترمیمی به دنبال آن است که خصومت و تنش ناشی از بزه که در جامعه بوجود آمده را با روش‌های متنوع، رفع کند و بهبود بخشد (میرنقی‌زاده و صفری، ۱۳۹۶). البته زمان تسلیم و پذیرش محض نظریات نوظهور و جلوه‌های عملی آنها بدون ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی به پایان رسیده است و عدالت ترمیمی نیز مانند سایر مباحث تئوری باید به بوته نقد کشیده شود (فرنام، ۱۴۰۱).

از سوی دیگر، پلیس اداری به‌منظور حفظ نظم عمومی در جامعه صورت می‌گیرد. اولاً، پلیس اداری سعی دارد با اتخاذ تدابیر و اقدامات تأمینی از وقوع جرایم و تخلفات جلوگیری کند و به مرحله پیش از وقوع جرم مرتبط می‌شود. ثانیاً، پلیس اداری در عهده مقامات اداری است و جزء عملیات اداری محسوب می‌شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۱). پلیس اداری به‌عنوان قالبی مفهومی دارای چهره‌ای دوگانه است که هم می‌تواند محدودکننده آزادی‌ها باشد و هم می‌تواند بستری مناسب برای اجرای حق‌ها و آزادی‌ها قرار بگیرد (جلالی و کامیاب، ۱۳۹۴). تمایز پلیس اداری با پلیس قضایی در قالب رعایت حقوق دفاعی متهم و حفظ آزادی‌ها نمود پیدا می‌کند (جلالی و کامیاب، ۱۳۹۷). مراقبت از هم‌نوع باعث اهمیت یافتن پلیس اداری می‌شود تا بتواند امنیت عمومی، آسایش عمومی، بهداشت عمومی و کرامت انسانی را برای افراد جامعه تضمین کند و شرایطی پایدار را فراهم سازد تا در آن همگان در پرتو اصل انصاف به بهره‌مندی از مواهب مشغول شوند (جلالی و کامیاب، ۱۳۹۹).

امروزه جرایم و تخلفات اداری در ایران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت جامعه مطرح شده است. به همین دلیل، رسالت حقوق کیفری در حوزه اداری کشور بر مبنای تضمین توأمان منافع و مصالح عمومی (مردم) و دولتی (حکومت) قرار گرفته است (نصوری، ۱۴۰۲). در همین راستا، عدالت ترمیمی چند سالی است که به طور جدی وارد ادبیات حقوقی نوین ایران گردیده و جلوه‌هایی از تأثیرگذاری آن در حقوق اداری نیز قابل ردیابی است. زیرا تخلفات اداری نبایستی صرفاً از منظر سیاست عدالت کیفری دیده شود بلکه باید در مرحله اجرای عدالت اداری و اجتماعی جهت رسیدن به یک راه حل مناسب و مصلحت همه‌جانبه تلاش کرد. در این راستا می‌توان از ظرفیت گزارشگران و ناظران مردمی به‌عنوان ضابطان عدالت ترمیمی و عدالت گستری تحت عنوان پلیس اداری (مانند ظرفیت مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴) استفاده نمود.

با افزایش آمار جرایم و تخلفات اداری و اقتصادی در ایران، حل و فصل آنها از نظام قضایی دولتی یعنی از طریق دادگاه‌های دولتی و توسط قضات منتخب دولت، گذشته از اینکه هزینه زیادی را بر دولت‌ها تحمیل می‌کند، منجر به تراکم کاری و انباشته شدن پرونده‌ها در دادگاه‌های دادگستری می‌شود که اهمیت حل پرونده‌ها را از طریق شیوه‌های جایگزین یا غیرقضایی، آشکارتر می‌سازد. در این نگرش بر این نکته تأکید می‌شود که قانون‌شکنان نه تنها به جامعه بلکه به خودشان نیز لطمه می‌زنند. بدین ترتیب، پیچیدگی حاکم بر محاکم قضایی و بوروکراسی حاکم بر نهادهای اداری ایران و نتیجتاً اطاله دادرسی در راهروهای پر پیچ و خم آن موجب گردیده که برخی نهادهای عمومی جمهوری اسلامی ایران مانند وزارت کشور و ستاد امر به معروف و نهی از منکر اقدام به تشکیل سمن‌هایی نمایند که بتوانند به شیوه غیرقضایی و در کوتاه‌ترین زمان به شکایات مردم با تدارک آسان بررسی فراقضایی و برون قوه‌ای علیه مقامات و دستگاه‌های اجرایی، رسیدگی کنند. از سوی دیگر، پلیس اداری به‌عنوان قالبی مفهومی برای تأمین نظم و منفعت عمومی و تحقق عدالت فردی و اجتماعی، شرایط مناسبی برای صیانت از حقوق بنیادین شهروندان در جامعه فراهم می‌آورد و می‌تواند عدالت عمومی را به روزنه عمل خود بدل سازد.

بنابراین، می‌توان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه احیای حقوق عامه، چگونگی تعادل بخشی و توازن میان امور حاکمیتی و تصدی‌گری دولت با ملاحظات تحقق عدالت است (چالش‌های اجرای اصل هشتم قانون اساسی و نحوه تفسیر مواد ۱ و ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر) و پیش‌بینی نقش پلیس اداری برای ناظران مردمی می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی میان امور حاکمیتی با مردم (ایفای نقش حلقه‌های میانی و واسطه‌ای) طیفی از فرصت‌های مناسب را برای ارزیابی و حل مشکلات اداری و پرهیز از افتادن در دام دادرسی‌های زمان‌بر و هزینه‌زا را فراهم نماید. زیرا، ناظر مردمی به‌عنوان پلیس اداری بر اساس سیستم عدالت ترمیمی، ابتدائاً میزان آسیب‌های وارد شده و یا تخلفات پیش‌گیری شده را می‌سنجد. در این مدل، پلیس اداری

در یک رابطه فعال (نه منفعل) با نهادهای عدالت گستر با ماهیت میانجی گرانه و صبغه‌ای پیش گیرانه بروز و ظهور پیدا می کند. امروزه الگوهای عدالت گستری سنتی مانند کشف جرم یا تخلف و نهایتاً مجازات مجرم یا متخلف شکست خورده است و بایستی مدل جدیدی تحت عنوان عدالت ترمیمی مبتنی بر بکارگیری پلیس اداری (مصدیقی از گشت ارشاد مردمی) را در ادارات پیشنهاد نمود.

بررسی ها نشان می دهد که علیرغم افزایش کمی و کیفی نهادهای نظارتی در ایران (مانند دستگاه قضایی)، حجم پرونده های دادگستری کاهش نیافته و انباشت پرونده ها و اطاله دادرسی در دادگاه ها به یک معضل تبدیل شده است (نظرنیا، ۱۴۰۱). به طور کلی، می توان ادعا نمود که کنترل تخلفات مقامات و نهادهای عمومی از دو جهت عمده فراتر از توان دولت است: اولاً، توانایی نهادهای دولتی عدالت گستر مانند محاکم دادگستری (دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی، شوراهای حل اختلاف و ...) محدود است. ثانیاً، سازوکارهای مهارکننده ای وجود دارند که خارج از محدوده های دولتی فعالیت داشته و تا اندازه ای مستقل از سیاست های دولت هستند. مثل پیمان های دسته جمعی، تشکیل شبکه های رانت و فساد غیرقانونی، تشکیل ائتلاف هایی با اغراض حزبی و شخصی و غیره.

۲. پیرابند

با ظهور قدرت مرکزی سازمان یافته و دولت به معنای امروزی به تدریج نمایندگان دولت یعنی کارگزاران پلیسی - قضایی، سرنوشت تعقیب و محاکمه کیفری را بدست گرفتند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳). عدالت ترمیمی یکی از راه های پاسخگویی به درخواست مردمی است که پس از پایان یک دوره کشمکش و جوامع انتقالی (عدالت سزادهی به عدالت اصلاحی) منتظر اجرای عدالت ترمیمی می باشد (طیب زاده و اسلامی، ۱۳۹۷). امروزه جرایم علیه حاکمیت جرایمی هستند که آسیب اصلی ناشی از ارتکاب آنها امنیت جامعه را تهدید می کند. بزه دیده اصلی در این جرایم، حکومت است. لذا با مدل سنتی عدالت کیفری نمی توان پاسخگوی مسائل حقوقی و سیاسی مدرن شد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸). طرح پارادایم عدالت ترمیمی در کشور با چالش های متعددی روبرو می باشد که سیاستگذاران عمومی کشور در راستای دستیابی به یک سیاست مطلوب ترمیمی باید با شناخت و گذار از این چالش ها، جایگاه واقعی این اندیشه در نظام حقوقی ایران را بهبود بخشند (شکری و همکاران، ۱۴۰۰). به طور مثال، اجرای برنامه های عدالت ترمیمی در کشور ما با چالش تراکم پرونده های قضایی مواجه است. اجرای برنامه های عدالت ترمیمی مانند بکارگیری ضابطان قضایی در فرآیند سازش و میانجی گیری که با شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور ما نیز سازگارتر می باشد به طرق مختلف موجبات کمک به دستگاه قضایی را ایجاد می کند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین، هیأت های میان دولتی روند اجرای عدالت ترمیمی را گزارش و توسعه می دهند (عامری برکی، ۱۴۰۰).

یکی از مهم‌ترین عناصر پیش‌بینی نقش پلیس اداری برای ناظران مردمی نیز نقش حمایتی بودن آن در راستای تحقق عدالت ترمیمی است، خصوصاً در فرآیندهایی که طرفین آن دارای قدرت مساوی نباشند. به‌طور مثال، در یک طرف، شهروند عادی به‌عنوان زیان دیده و در طرف دیگر، وزارتخانه دولتی به‌عنوان متخلف به واسطه یک دستور یا آیین‌نامه خلاف قانون قرار گرفته که دارای قدرت و نفوذ زیادی است. اگرچه جبران خسارت‌های وارده بر زیان دیده اولویت دارد و در قوانین و مقررات نیز پیش‌بینی شده است، اما در عین حال بایستی توازن و تعادل بین هر دو طرف برقرار گردد. به همین دلیل، سمن‌ها (ناظران مردمی) مصرح در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌توانند نقش حمایتی (دوست و یاور دادگاه) را ایفا نمایند.

ناظران مردمی به مثابه پلیس اداری بایستی به دنبال بهبود آنچه که نقض شده است باشند تا به پاسخگویی کامل و مستقیم متخلف یا مجرم منجر شود (به نحوه اجرای ماده ۹ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر توجه شود). به‌طور مثال، این ضابطان در هنگام مواجهه با نقض قوانین اساسی یا عادی بایستی به دنبال بهبود سازوکارهای اداری و یا بهبود قوانین جهت پیش‌گیری از اتفاقات و رویدادهای غیرقانونی مشابه باشند. ناظران مردمی با بهره‌گیری از ظرفیت پلیس اداری می‌توانند به بازگرداندن وحدت و هماهنگی میان آن چیزی که در نتیجه بروز جرم یا تخلف گسسته شده است، یاری برسانند. مانند گسستن رابطه دولت با مردم یا گسستن هماهنگی میان قوای عالی حکومتی از طریق یک آیین‌نامه وزارتی (مصوب قوه مجریه) در مغایرت با قانون عادی (مصوب قوه مقننه). بنابراین، تقویت نقش گروه‌های مردم نهاد و غیرقضایی به مثابه ناظران مردمی با رویکرد پیش‌بینی نقش پلیس اداری برای آنها می‌تواند منجر به تقویت نهادهای قضایی و نظارتی جهت جبران کامل خسارت و پیش‌گیری از زیان وارده به جامعه و کاهش آثار زیان بار آن در آینده همراه با حفظ اقتدار حاکمیت شود. مضافاً اینکه نقش این ناظران، آگاهی بخشی و ارشاد مردم نسبت به قوانین، مقررات و به‌طور کلی حقوق شهروندی می‌باشد تا از افتادن شهروندان در گرداب بوروکراسی‌ها، دام گسترده‌ها و قانون‌شکنی‌های اداری جلوگیری نمایند.

شایان ذکر است که پیش‌بینی نقش پلیس اداری برای ناظران مردمی به معنای ایجاد یک مقام قضایی نیست بلکه یک مقام حل اختلاف و پیش‌گیری با صبغه میانجی‌گری می‌باشد که بر پایه اصولی مانند بی‌طرف بودن، قانون‌مدار بودن، مشارکت‌پذیر بودن و مستقل بودن امکان بازگشت سیستم اداری منحرف شده به مسیر اصلی و روال عادی خود را میسر می‌سازد. به همین دلیل در این زمینه بایستی با پیش‌بینی یکسری شرایط قانونی از افرادی صلاحیت‌دار استفاده نمود تا در شرایط مختلف بتوانند به یک راه حل مناسب دست یابند. بایسته ذکر است، در قوه قضاییه نیز حضور و فعالیت مقاماتی مانند ضابط قضایی (مستند به قانون آیین دادرسی کیفری) و بازرس (مستند به قانون

تشکیل سازمان بازرسی کل کشور) پیش‌بینی گردیده است، اما به دلیل مقید بودن به بوروکراسی‌های اداری و محدود بودن حوزه صلاحیت‌های قانونی نمی‌توانند نقشی فعال در امر پیش‌گیری از وقوع تخلفات ایفا نمایند. به همین دلیل، ناظران مردمی (مانند ضابطان امر به معروف و نهی از منکر) در امور اداری (پلیس اداری) از طریق ایفای نقش یک دادآور یا دادرسان می‌توانند در عین نظارت بر فعل یا ترک فعل مقامات و نهادهای عمومی، کرامت انسانی و حقوق بنیادین مردم و جامعه را مورد احترام و پاسداری قرار دهد. مردم می‌توانند به آسان‌ترین شیوه و در کوتاه‌ترین زمان به این ضابطین و پلیس‌های اداری دسترسی داشته باشند.

با عنایت به اینکه ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه با مشکل جدی فساد در مقامات حکومتی به‌ویژه رانت، ارتشا، اختلاس و سوءاستفاده از قدرت برای تأمین منافع شخصی روبرو شده است، لذا ضروری است از ظرفیت پلیس اداری به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم مبارزه با فساد استفاده شود. زیرا پلیس اداری موصوف می‌تواند با توسل به کارکرد حسابرسی و نظارتی خود در برقراری حکمرانی شایسته و کشف و مبارزه با فساد شبکه‌ای یا سیستماتیک نقش بسزایی را ایفا نماید. به همین دلیل بایستی صلاحیت قانونی مبارزه با انواع فساد اداری برای ناظران مردمی (پلیس اداری) مورد شناسایی قرار بگیرد. از آنجایی که سازوکارهای قضایی و شبه قضایی در مقید ساختن مقامات حکومتی کشور به قانون، رعایت انصاف، مقابله با سوءجریان اداری و حمایت از حقوق شهروندان کارآمدی مؤثر را ندارد، ضرورت توسل به سایر سازوکارهای کنترلی به‌ویژه سمن‌ها (مانند گروه‌های مطالبه‌گری مردم پایه) و ضابطان این امر (پلیس اداری) به‌عنوان شاخصه توسعه سیاسی با تدارک آسان‌بررسی و نظارت فراقضایی بر عملکرد مقامات و دستگاه‌های عمومی دولتی و غیردولتی و افزایش انعطاف در کنشگری می‌تواند ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه‌ای را جهت نهادینه کردن مردم‌سالاری دینی و تأمین امنیت و سلامت عمومی را به منصفه ظهور برساند.

جدول ۱- مقایسه اجمالی پلیس قضایی با پلیس اداری

| پلیس قضایی (مدل عدالت سنتی) | پلیس اداری (مدل عدالت ترمیمی) |
|--|---|
| فعل غیرقانونی یا ترک فعل قانونی را به‌عنوان تعدی و تجاوز به قانون و دولت تلقی می‌کند | فعل غیرقانونی یا ترک فعل قانونی را به‌عنوان تعدی و تجاوز به حقوق شهروندان و روابط اداری تلقی می‌کند |
| ارتکاب جرم یا تخلف را منشأ مجرمیت می‌داند | ارتکاب جرم یا تخلف را منشأ تعهداتی می‌داند |
| بزهکار (مجرم یا متخلف) را دارای نقش اصلی می‌داند | زیان دیده (جامعه و مردم) را دارای نقش اصلی می‌داند |

| | |
|--|--|
| مجازات بزهکار یا اصلاح او را اولویت اصلی می‌داند (نگاه پیگیرانه و جزادهنده) | جبران خسارت وارد بر زیان دیده را اولویت اصلی می‌داند (نگاه پیشگیرانه و جبران کننده) |
| از طریق نهادهای قضایی مانند دادستانی نقش فعالی را ایفا می‌کنند | از طریق نهادهای غیرقضایی مانند سمن‌ها نقش فعالی را ایفا می‌کنند |
| این مدل بر پایه رابطه‌ای توأم با جدال و مخاصمه است | این مدل بر پایه رابطه‌ای توأم با مسأله‌محوری و ارائه راه حل است |

۳. مصادیق اعمال عدالت ترمیمی در حقوق اداری (با تکیه بر نقش ناظران و ضابطان مردمی به‌عنوان پلیس اداری)

ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ - تخلفات اداری به قرار ذیل است:

بند ۱- اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری

بند ۳- ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل

پلیس اداری درون یا برون سازمانی (ناظر مردمی) در چنین مواقعی می‌تواند ترازنامه‌ای بر مبنای رفتارسنجی و کارکرد اداری مقام یا نهاد عمومی تنظیم نماید که در آن نکات مثبت و منفی کارمندان درج گردیده باشد و به کارمندانی که دارای حسن رفتار و اخلاق با ارباب رجوع بوده و با داشتن کارنامه بدون تخلفات اداری همراه با نوآوری و خلاقیت اداری که باعث افزایش بازده اداری شده‌اند، اضافه حقوق و ترفیع جایگاه اداری را پیشنهاد دهند. متعاقباً نهاد ذیصلاح یا مقام مافوق با توجه به گزارش پلیس اداری مبنی بر احراز خصوصیات مثبت رفتاری و فعال مقام مادون خود، مبادرت به تمجید و تشویق کارمند اداری می‌نماید و سبب به وجود آمدن نشاط، قدرت و توان مضاعف در آنان می‌شود و انگیزه‌ای برای بازسازی اخلاق و رفتار کارمندان اداری خواهد شد.

نقطه شروع اصلاح کارمند اداری متخلف توسط پلیس اداری، دعوت کارکنان اداره از طریق کلمات (شیوه لسانی) می‌باشد و اصولاً سخنانی تأثیر گذار و ماندگار شده‌اند که در دل‌ها نفوذ کرده‌اند و به دنبال نُصح (دلسوزی) بوده‌اند. پلیس اداری به شیوه‌ای هوشمندانه، مسأله‌یابی می‌کند و از بازخوردها و انتقادات می‌آموزد. هوش و استعداد خود را رشد و گسترش می‌دهد. پرتلاش است و پشتکار دارد و هرگز عقب نمی‌نشیند. به‌طور کلی، منظور

این است که پلیس اداری در برخورد با تخلفات اداری بایستی یک نظام سلسله مراتبی (از تذکر حضوری و شفاهی تا برخوردهای عملی و شدیدتر) را در مقابل مقام یا نهاد عمومی متخلف، طراحی و پیاده‌سازی نماید که مستلزم اخذ مجوز و حمایت قانونی نیز می‌باشد.

بند ۱۴- کم‌کاری یا سهل‌انگاری در انجام وظایف محول شده

پلیس اداری می‌تواند به مرجع ذیصلاح پیشنهاد دهد که کارمند متخلف در چنین حالتی بایستی به مناطق محروم یا مناطقی که بر اثر بلایای طبیعی همچون سیل و زلزله دچار آسیب‌های جدی شده و نیازمند نیروی انسانی هستند، فرستاده شوند تا حس نوع‌دوستی و شجاعت و اعتماد به نفس آنها برانگیخته شود. بدین ترتیب، کارمندی متعهد مطابق با استانداردهای یک اداره خوب و منطبق با حکمرانی شایسته، تربیت خواهند یافت.

بند ۱۷- گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هرگونه مالی که در عرف رشوه‌خواری تلقی می‌شود

باید اشاره کرد که دلیل اصلی رشوه‌خواری در ادارات ایران ناشی از ضعف مدیریتی است. قوانین و مقررات اداری می‌توانند هم مزاحم یک فرد خلاق باشند و هم توان این را دارند که بازدهی یک اداره را افزایش دهند. پلیس اداری می‌تواند با احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر از طریق آموزش قانون‌مداری به کارمندان اداری، سطح بینش و دانش آنها را ارتقا ببخشد. پلیس اداری در موقعیت‌های حساس می‌تواند به مقامات عمومی تذکر دهد که تصمیمات درستی را اتخاذ نمایند. هم‌افزایی و هم‌بعد نمودن کارمندان یک اداره در مسیر درست توسط پلیس اداری می‌تواند سبب رشد توان اداری و کاهش فساد شود. بنابراین، پلیس اداری (ناظر مردمی در محیط اداری یا همان گشت ارشاد مردمی) می‌تواند فریاد عدالت‌خواهی و روحیه عدالت‌طلبی را به گوش ناشنای برخی مسئولان برساند. راه نجات جامعه، شفافیت اداری و پاسخگو نمودن مسئولان است. نادیده گرفتن و صرف نظر کردن از یک تخلف هر چند کوچک، باعث اشاعه دیگر خطاها می‌شود و به تدریج سبب عادی شدن تخلفات شده و به گسترش آنها کمک خواهد کرد. البته پلیس اداری مد نظر نگارنده در پژوهش حاضر بایستی به سمت حرفه‌ای و تخصصی شدن با بهره‌گیری از افراد توانمند و شایسته باشد که پیش‌بینی شرایط و چگونگی احراز صلاحیت آنها محل بحث مفصل دیگری خواهد بود.

ممکن است ایراد شود که اجرای چنین برداشت‌هایی از اصل هشتم قانون اساسی و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و دیگر قوانین و مقررات در خصوص مفهوم عدالت ترمیمی متکی به نقش پلیس اداری (ضابطان و ناظران مردمی) سبب تقابل ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری با ماده ۸ آن خواهد شد و بایستی

بر همان مفهوم سنتی از عدالت و نقش سنتی قوه قضاییه و ضابطان عام و خاص قضایی تکیه نمود و کارمند متخلف را صرف نظر از مصالح جامعه و منفعت عامه به مجازات رساند. اما بایستی به چند نکته توجه گردد تا محل مناقشه‌ای باقی نماند:

اولاً: صرف اجرای فصل سوم (مجازات‌های اداری) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ نسبت به تخلفات اداری و عدم توجه به قوانینی مانند فصول سوم الی هشتم (حقوق، مزایا و تکالیف مسخدمین رسمی) قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ با این تعبیر که اجرای عدالت ترمیمی از طریق پلیس اداری هزینه زیادی را بر دولت و ادارات تحمیل می‌کند یا سبب موازی‌سازی وظایف و اختیارات نهادهای عمومی می‌شود، برداشتی تک‌بعدی و کوتاه‌بینانه است. زیرا، یک جامعه از بدو تولد شهروند خود، جهت رشد و نمو، آموزش، درمان و بهداشت و ... او هزینه‌های گزافی را متحمل می‌شود و تمام نهادهای عمومی برای هر شخص در بدو ورود به مشاغل اداری و همچنین ضمن خدمتش، هزینه زیادی را بابت آموزش، حق عائله‌مندی، حق بیمه بیکاری، حق بهداشت و درمان و ... او متقبل شده است و با صدور مجازات‌های سنگین مثل اخراج برای چنین کارمندانی خصوصاً کارمندان مجرب و پرسابقه، تالی فاسد به بار خواهد آمد و هزینه‌های به مراتب بیشتری بر دولت و جامعه وارد خواهد شد که در بسیاری از موارد جبران‌ناپذیر است.

ثانیاً: با توجه به اینکه در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ و ماده ۹ آن مصداق‌سازی نشده است یعنی برای هر تخلف اداری از ماده ۸ می‌توان بیش از ۱۰ (ده) نوع تنبیه اداری از ماده ۹ آن بدون توجه به سبکی یا سنگینی تخلف در نظر گرفت. پلیس اداری حسب شرایط می‌تواند نسبت به تعیین مصادیق و معادل‌سازی تخلفات و تنبیهات به‌عنوان دوست (یار) دادگاه عمل نماید تا غبطه طرفین (اداره، متخلف و جامعه) به‌طور همه‌جانبه رعایت شود.

۴. پیشنهادات در خصوص ضمانت اجرای عدالت ترمیمی توسط پلیس اداری (ناظران مردمی)

الف. پیش‌بینی و اعطای اختیارات قانونی به پلیس اداری جهت اجرای برنامه‌های نظارتی در راستای تعدیل بار نظام عدالت‌گستری سنتی با هدف سیاست قضازدایی، افزایش رضایت‌مندی و احساس امنیت حقوقی شهروندان.

ب. فرهنگ‌سازی برنامه‌های عدالت ترمیمی توسط پلیس اداری در جامعه خصوصاً در میان مقامات اداری تا نسبت به اجرای آن التزام عملی پیدا کنند.

پ. تخصصی‌سازی سمن‌های مردمی از طریق بکارگیری طلاب و دانشجویان آموزش دیده، متعهد و متخصص.

ت. برگزاری مستمر کارگاه‌های آموزشی برای پلیس اداری به منظور دستیابی ایشان به فهم و برداشت صحیح از قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های اداری و فلسفه کارکردهای شکلی و ماهوی آنها.

ث. ایجاد هیأت‌های منصفه میان قوه‌ای که به طور پیوسته مبادرت به گزارش و کنترل تخلفات و جرایم اداری نمایند.

ج. تأکید صریح و منجز در قوانین جدیدالتصویب مبنی بر ارجاع پرونده‌های اداری و اقتصادی به شعب تخصصی و پیش‌بینی تأسیس و توسعه نهادهای آمبودزمان در قانون جدید مانند دفاتر وکیل شهروندی یا معاضدت قضایی در راستای افزایش ضمانت اجرای قوانین و نظارت بر حسن جریان امور اداری، افزایش سرعت و دقت در رسیدگی به پرونده‌های قضایی مذکور.

چ. تأکید بر تألیف، تصنیف و ترجمه کتب و مقالات و ارائه نظریه پردازی‌ها در اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌ها جهت بهره‌گیری از دانش علمی و تجربه عملی ناظران مردمی در راستای کشف چرایی و چگونگی شکل‌گیری و ریشه‌یابی جرایم و تخلفات اداری و ارائه راهکارهای مقابله با آن.

۵. برآمد

عدالت اداری سنتی در ایران از مشکلاتی مانند صعوبت در کشف تخلفات و جرایم اداری، اطلاع دادرسی، حجم بالای پرونده‌های اداری و عدم تناسب مجازات با تخلفات اداری رنج می‌برد. استفاده از مدل عدالت ترمیمی در نظام اداری می‌تواند تا حدودی از شدت این مشکلات بکاهد. با این وصف، عدالت ترمیمی هم در بعد نظری و هم در بعد عملی آن دارای پیامدهای سازنده و بلند مدتی برای بزه‌دیده (مردم)، بزه‌کار (متخلف) و جامعه (اداره) است. عدالت ترمیمی در ادارات به دنبال آن است که اداره و مردم را در یک فرآیند نظارتی طوری مشارکت دهد که فرآیند جرم‌زدایی (و یا تخلف‌زدایی) انجام بگیرد.

عدالت ترمیمی در تحقق اهداف کلان عدالت‌گستری از طریق تقویت نظارت‌پذیری نظام اداری و ممانعت از تداوم نقض نظم اداری در تمام سطوح حکومتی می‌تواند امنیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را بهبود بخشد و فرهنگ احترام به حاکمیت قانون را تقویت نماید. همچنین، تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی و ممانعت از تکرار ارتکاب جرایم و تخلفات اداری از جمله اهداف غایی عدالت ترمیمی در نظام اداری است. عدالت ترمیمی می‌تواند جایگاه رفیعی را در نظام عدالت‌گستری ایران به خود اختصاص دهد. استفاده از تجارب سازمان‌های

مردم نهاد، فرصتی طلایی را جهت تحلیل عملکرد نهادهای نظارتی (به ویژه قضایی و شبه قضایی) و جلوگیری از موازی کاری و دوباره کاری این نهادهای عمومی را فراهم می کند.

منابع:

۱. مصطفی عباسی، عدالت ترمیمی: دیدگاه نوین عدالت کیفری، نشریه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹، ۱۲۷-۱۳۸۲، ۸۵.
۲. حسین غلامی، عدالت ترمیمی: الگوی جدید تفکر در امور کیفری، نشریه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹، ۱۸۳-۲۰۴، ۱۳۸۲.
۳. علی حسین نجفی ابرندآبادی، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، نشریه قضاوت، سال سوم، شماره ۲۶، ۱۸-۲۸، ۱۳۸۳.
۴. عباس شیری، پارادایم های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴، ۲۴۵-۲۱۳، ۱۳۸۵.
۵. میرحیدر میرنقی زاده و اکبر صفری، مقایسه عدالت کلاسیک با عدالت ترمیمی، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، دوره دوم، ۲۱۹-۱۹۹، ۱۳۹۶.
۶. حکیمه فرنام، انتقادات وارد بر عدالت ترمیمی، نشریه پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، دوره ۱۰، شماره ۲۹، ۳۹۱-۴۱۵، ۱۴۰۱.
۷. پونه طیب زاده و رضا اسلامی، تأثیر عدالت ترمیمی بر تحقق اهداف کلان عدالت انتقالی، نشریه پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۳، ۲۴۷-۲۱۳، ۱۳۹۷.
۸. زینب نجفی، حسین حسنی ساطحی، حمید سرکانی و رضا فنازاد، عدالت ترمیمی در پرتو مسئولیت مدنی ضابطین، نشریه پژوهش های انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره ۳، ۲۲۴-۱۹۹، ۱۳۹۷.
۹. سالار صادقی، حسین فخر و اسماعیل رحیمی نژاد، جایگاه عدالت ترمیمی در جرایم علیه حاکمیت، نشریه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دهم، شماره ۲، ۱۱۲-۸۵، ۱۳۹۸.

۱۰. زهرا عامری برکی، عدالت ترمیمی به عنوان یکی از نظام‌های پاسخ غیررسمی به جرم، فصلنامه علمی حقوقی قانون‌یار، دوره ۵، شماره ۲۰، ۱۴۰۰.
۱۱. جهان‌شاه شکری، اکبر وروایی و مسعود قاسمی، چالش‌های سیاستگذاری جنایی-تقنینی عدالت ترمیمی در مواجهه با اصول قانون اساسی، نشریه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۳۸، ۱۸-۲، ۱۴۰۰.
۱۲. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اداری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۱۳. محمد جلالی و میثا کامیاب، پلیس اداری، قالبی مفهومی برای تأمین نظم عمومی: مطالعه مفهوم نظم عمومی در حقوق فرانسه، نشریه حقوق اداری، سال سوم، شماره ۹، ۱۶۳-۱۳۷، ۱۳۹۴.
۱۴. محمد جلالی و میثا کامیاب، مقدمه‌ای بر شناخت مفهوم پلیس اداری در ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱، ۸۶-۶۷، ۱۳۹۷.
۱۵. محمد جلالی و میثا کامیاب، نظارت قضایی بر قانونی بودن تصمیمات پلیس اداری در فرانسه، نشریه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره ۲، شماره ۴، ۱۳۴-۱۰۷، ۱۳۹۹.
۱۶. مزدک نصوری، بررسی شیوه‌های ارتکاب جرایم اداری و اقتصادی در ایران (گزارش پژوهشی)، اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور، ۱۴۰۲.
۱۷. محمود نظرنیا، بررسی دلایل و ارائه راهکارهای کاهش پرونده‌های دادگستری (گزارش سیاستی)، اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور، ۱۴۰۱.

